

تاریخ تحولات قراردادهای در صنعت نفت ایران (با تأکید بر ۱۳۵۳-۱۳۳۳)*

محمد رضا شکوهی^۱ ایاس نادران^۲

چکیده

تاریخ تحول قراردادهای نفتی ایران از قراردادهای امتیازی به سمت مشارکتی و سپس خدمتی از ابتدا تا انقلاب سال ۱۳۵۷ به همراه تحلیل‌های مربوط آن، در مقاله حاضر به رشته تحریر درآمده است. بررسی این سیر تحول به ارتقاء دانش از موضوع مهم قراردادهای نفتی برای انعقاد کارآمدتر قراردادهای کنونی کمک می‌کند. در حقیقت می‌توان نتیجه گرفت آنچه امروزه در انعقاد قراردادهای نفتی ایران رخ می‌دهد چیزی چندان فراتر از بستر تاریخی آن، یعنی تحولات پیش از انقلاب نیست که این به مانند هر پدیده تاریخی وابستگی به مسیر را نشان می‌دهد. در این راستا باید به دوره بیست ساله مهم ۱۳۳۳-۱۳۵۳ اشاره داشت. در دوره مذکور هسته اصلی تاریخ تحولات قراردادهای نفتی دنیا، به پیش‌قراولی نسبی ایران، از پایان قراردادهای امتیازی به سمت قراردادهای مشارکتی و سپس انعقاد قراردادهای خدمتی شکل گرفت. برخلاف عمده نوشتارهای عمومی تاریخی مرتبط با مسأله نفت، در مقاله حاضر سعی شده تا وقایع و تحولات مربوطه بیشتر با رویکرد تخصصی و از زاویه دید تاریخی، اقتصادی و حقوقی بررسی و همچنین تحلیل‌های لازم نیز ارائه گردند. نتایج بررسی تاریخی مقاله نشان می‌دهد که الگوی قراردادهای نفتی در بستر زمان و در پاسخ به شرایط رفته‌رفته کامل‌تر شده و ایران نقش زیادی را در این تحول در دنیا ایفا کرده است امری که لازم است از این به بعد نیز تداوم یابد. واژگان کلیدی: ایران، تاریخ، نفت، شرکت ملی نفت ایران، قرارداد، امتیاز، مشارکت، خدمت (بیمانکاری)، بیع متقابل.

Evolutions of Contracts in Iranian Oil Industry (1959 - 1979)

Mohammad Reza Shokouhi³

Elias Naderan⁴

Abstract

This article analyzes the history of evolution of oil contracts from concession agreements to production sharing agreements and service contracts from the very beginnings up to 1979. Such an analysis increases our knowledge of oil contracts in order that more efficient ones are to be signed in the near future. Like any historical event that needs to be discussed in relation to what has gone before, it can well be concluded that what is currently happening in the present-day oil contracts cannot be considered independently from their historical embeddings in the pre-revolutionary changes. To this end, one needs to consider the 1333-1353 – the two significant decades which played an important role in the history of the evolution of oil contracts. It was in this very period that Iran, as a pioneer, started signing concession as well as production sharing and service contracts. Unlike much public historical research regarding the issue of oil industry, the present article attempts to explore the issue, events and the whole process of change from a more professional lens as well as a more historical, economical and legal outlook. The findings demonstrate that it has been in response to different circumstances that the framework of oil contracts has gradually undergone drastic changes. Iran has particularly played a major role in the process – a role that also needs to be maintained hereafter.

Keywords: Oil (Petroleum); National Iranian Oil Company (NIOC); Contract; Concession, Production Sharing, Service, Buy-Back.

۱. دکتری اقتصاد از دانشگاه تهران * تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۰

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

3. Ph.D of Economics, University of Tehran, Email: shokouhi72@gmail.com

4. Associate professor in Economics, University of Tehran, Email: enaderan@ut.ac.ir

مقدمه

طی یک و نیم قرن گذشته، نفت و مسائل وابسته به آن تأثیر شگرفی بر مسائل مختلف تاریخ ایران داشته و پیرامون آن مطالب زیادی توسط دانشمندان حوزه‌های گوناگون به نگارش درآمده است. اما بیشتر اینها توجهات عمومی بوده و کمتر بر وقایع تخصصی تمرکز صورت گرفته است. لذا این نوشتار بر آن است تا این نقیصه را تا حدودی پوشش داده و تاریخ تحول قراردادهای صنعت نفت ایران در دوران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را به همراه تحلیل‌های مربوطه ارائه کند.

پیش از ورود به موضوع ذکر سرآغازی پیرامون چارچوب قراردادهای نفتی مفید به نظر می‌رسد. در کلیت موضوع، ترتیبات قراردادی در صنعت نفت، معمولاً به دو گروه تقسیم می‌شوند: سیستم‌های امتیازی^۵ و سیستم‌های قراردادی.^۶ در سیستم‌های امتیازی، ناحیه‌ای از طرف دولت به شرکت طرف قرارداد واگذار می‌شود و شرکت مذکور مالک مخزن را به دو شیوه^۷ پرداخت حق الارض و یا بهره مالکانه^۸ مورد انتفاع قرار می‌دهد. سیستم‌های قراردادی نیز به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نوع اول، موافقت‌نامه‌های مشارکت در تولید (PSA)^۹ که نوع پیشرفته‌تر آن مشارکت در سرمایه‌گذاری^{۱۰} است. در قراردادهای مشارکتی، شرکت دولت میزبان، با یک شرکت خارجی در اموری همچون اکتشاف و توسعه وارد قرارداد گشته و منافع مربوطه طبق قرارداد فیما بین، بین طرفین تقسیم می‌شوند. این مشارکت می‌تواند از طریق تأسیس شرکت عامل^{۱۱} انجام شود. شرکت عامل هم به مجموعه‌ای از عملیات لازم مشتمل بر عملیات اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری و بازاریابی ناحیه عملیات می‌پردازد. نوع دوم سیستم‌های قراردادی نیز قراردادهای خدمتی^{۱۱} هستند که خود معمولاً به دو گروه با ریسک و بدون ریسک تقسیم می‌شوند. در قراردادهای خدمتی یا همان پیمانکاری، در قبال دریافت خدمت، به پیمانکار مزد پرداخت می‌شود. کشورهای مختلف به فراخور شرایط، در برهه‌های زمانی گوناگون از ترتیبات قراردادی متنوعی برای بهره‌برداری از منابع خود استفاده کرده و

5. Concessionary Systems

6. Contractual Systems

7. Royalty

8. Production Sharing Agreement

9. Joint Venture

۱۰. شرکت عامل را می‌توان معادل اپراتور یا همان بهره‌بردار در نظر گرفت.

11. Service Contracts

می‌کنند.^{۱۲} اینکه چه قراردادی بهترین است بستگی به عوامل متعددی دارد و بسته به شرایط هر کشوری نوعی از قرارداد انتخاب و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. سیر تحول ترتیبات قراردادهای نفتی در تاریخ ایران نیز با داستان پرفراز و نشیب خود از قراردادهای امتیازی شروع شده و پس از گذر از قراردادهای مشارکتی به سمت قراردادهای خدمتی چرخش داشته است. در این بین مهمترین بخش تحول قراردادهای پیش از انقلاب در بازه زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳ (۱۹۷۴ - ۱۹۵۴ م) اتفاق افتاده است که فراز و نشیب رخدادهای این دوره بیست ساله تاریخ صنعت نفت ایران، تأثیر شگرفی نیز بر تحول قراردادهای صنعت نفت دنیا داشته است. بنابراین در این مقاله با رعایت توالی زمانی، تمرکز بیشتری بر تحول قراردادهای در دوره مذکور صورت می‌پذیرد و سرگذشت قراردادهای نفتی، بررسی مفاد آنها، چگونگی تحول از قراردادهای امتیازی به سمت قراردادهای مشارکتی و سپس خدمتی و ذکر تحلیل آنها مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

سیر قراردادهای امتیازی

نفت و مواد نفتی از دوره باستان مورد استفاده بشر بوده است،^{۱۳} اما آغاز دوره صنعتی استفاده از نفت و مشتقات آن (هیدروکربور)^{۱۴} به سال ۱۲۷۵ قمری (۱۸۵۹ م) می‌رسد. در این سال اولین

۱۲. این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است؛ برای آگاهی بیشتر نک:

Silvana Tordo, *Fiscal Systems for Hydrocarbons. Design Issues* (New York: World Bank working paper, 2007), p 7-10.

داریوش مبصر و دیگران، کالبد شکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل) (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۹)؛ مهران امیرمعینی و سید محمد علی حاجی‌میرزایی، رژیم‌های مالی در صنعت نفت؛ نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران (تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی)، (۱۳۸۳)؛ محمدرضا صابر، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز (تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر)، (۱۳۸۳). لازم به ذکر است که بر سر تعاریف اجماع وجود ندارد. در این باره، نک: محمد علی موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، (۱۳۵۷)، ص ۲۶۷ - ۲۰۹؛ فرهاد ایرانپور، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ش ۳، (۱۳۸۶)، ص ۲۸-۱؛ فرهاد ایرانپور، «انواع قراردادهای نفتی تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۲، (۱۳۸۷)، ص ۳۸-۲۵؛ سید صادق کاشانی، توسعه میادین نفت و گاز؛ ساختارها و رویکردهای اجرای پروژه دفتر مطالعات انرژی صنایع و معادن (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸)، ص ۱۶-۹.

۱۳. برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران (تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴)؛ و برای تفصیل بیشتر، نک: فرشید خدادادیان، کاربردهای نفت و گاز در ایران باستان (تهران: روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۹).

۱۴. هیدروکربور نام عام موادی است که در عرف به نام نفت، گاز، میعانات گازی، مایعات گازی و غیره شناخته می‌شوند.

چاه نفت به عمق ۲۱ متر توسط کلنل دریک در ایالت پنسیلوانیای آمریکا حفر شد. این موفقیت، سرمایه‌داران خارجی را برآن داشت تا به تحصیل امتیازهایی در کشورهای دیگر اقدام کنند. در این زمان ناصرالدین‌شاه قاجار نیز احتیاج مبرمی به پول داشت، بنابراین امتیازاتی به اتباع بیگانه داد که این تحولات، سر سلسله تاریخ صنعت نفت ایران را تشکیل می‌دهند. نخستین امتیاز، پنج سال پس از کشف نفت در آمریکا به یک انگلیسی به نام مستر توری داده شد (۱۲۸۰ق/ ۱۸۶۴م). این امتیاز متضمن ایجاد راه‌آهن با حق استفاده از معادن فلزات و نفت و قیر تا فاصله چهل میلی از مسیر راه‌آهن بود.^{۱۵} سپس، در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲م) امتیاز اول بارون ژولیوس رویتر^{۱۶} صادر شد که در ضمن این امتیاز حق استفاده از منابع نفتی نیز پیش‌بینی شده بود. امتیاز مذکور در نتیجه اعتراض روس‌ها فسخ گردید.^{۱۷} در ادامه سیر امتیازات، در سال ۱۲۹۳ قمری (۱۸۷۷م) ناصرالدین‌شاه فرامینی به نام حاج علی‌اصغر و حاج علی‌اکبر امین معادن صادر کرد. این فرامین بهره‌برداری از معادن واقع در منطقه‌ای از سمنان تا خراسان را شامل می‌شد. در نتیجه تحولات حاصل از این امتیاز در سال ۱۳۰۴ شرکت خوریان تشکیل شد که ۶۵ درصد سهام آن در دست بانک روس و بقیه دست خشتاریا بود. شرکت نفت خوریان در بهره‌برداری توفیقی نداشت و در نهایت به موجب قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور خلع ید شد.^{۱۸}

امتیاز بعد در سال ۱۳۰۰ قمری (۱۸۸۳م) به آلبرت هوتسن^{۱۹} هلندی جهت استخراج نفت در منطقه دالکی (حوالی بوشهر) داده شد. این اقدام امتیاز هوتز^{۲۰} نام گرفت و نخستین امتیاز اختصاصی نفت بود. شرکت انگلیسی هوتز (متعلق به آلبرت هوتسن، تبعه هلند) یک شرکت تجاری بود و در امر صادرات و واردات در منطقه خلیج فارس فعالیت می‌کرد و مرکز آن در بوشهر قرار داشت.^{۲۱} در سال ۱۳۰۶ قمری (۱۸۸۹م) یعنی هفده سال پس از امتیاز اول رویترز، برای دومین بار امتیازی به

۱۵. شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران (تهران: شرکت ملی نفت ایران،

۱۳۴۴)، ص ۱.

16. Baron Jolius Royter

۱۷. مدت قرارداد ۷۰ سال بود و به امتیاز گیرنده در قبال پرداخت ۱۵ درصد از عایدی خالص، حق اکتشاف و استخراج از کلیه معادن و منابع زیرزمینی ایران را که مناسب می‌دانست، داده شده بود. نک: شرکت ملی نفت ایران، ص ۱؛ مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران (تهران: شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵)، ص ۲۵۰-۲۴۵؛ ناصر فرشاد گهر، سیری در قراردادهای نفتی ایران (تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱)، ص ۴۰-۲۴. در این منبع متن قرارداد رویترز نیز ارائه شده است.

۱۸. شرکت ملی نفت ایران، ص ۲-۱.

19. Albert Houtson

20. Houts

۲۱. نک: احمد راسخی لنگرودی، موج نفت: تاریخ نفت ایران، از امتیاز تا قرارداد (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵)، ص ۱۶-۱۵.

او برای تأسیس بانک شاهنشاهی داده شد. این امتیاز در ۱۴ ماده، حقوق وسیعی از جمله حق انتشار اسکناس در ایران را برای صاحب امتیاز دربر داشت که در قسمت‌هایی از فصل یازدهم امتیازنامه به بهره‌برداری از معادن به‌ویژه نفت نیز اشاره شده بود.^{۲۲} امتیاز بعد در سال ۱۳۱۳ قمری (۱۸۹۴ م) فرمانی بود که برای بهره‌برداری از معدن نفت در کلارستان (کلاردشت فعلی) به نام محمد ولی‌خان خلعتبری (سپهدار و سپهسالار آینده) صادر شد.^{۲۳}

آخرین امتیازی که قبل از مشروطه راجع به بهره‌برداری از نفت ایران صادر شد، امتیاز معروف دارسی است که نظر به اهمیت آن جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این دوره به غیر از امتیازنامه دارسی سایر امتیازات اعطایی به نتیجه خاصی منجر نشدند.^{۲۴} در طی دوران مشروطه نیز امتیازاتی اعطاء شد. در سال ۱۳۳۳ قمری امتیازی در زمان صدارت محمودولی‌خان سپهدار تنکابنی برای بهره‌برداری از نفت مناطق گیلان و مازندران و استرآباد به خستاریا داده شد.^{۲۵} دو امتیاز دیگر یکی در سال ۱۳۰۰ شمسی به شرکت استاندارد اوپل نیوجرسی برای بهره‌برداری از نفت ایالات شمالی و دیگری در سال ۱۳۱۵ شمسی به نام شرکت آمریکا و ایران (امیرانین)^{۲۶} وابسته به شرکت نفت سی‌بورد^{۲۷} اعطاء شد که در هر دو مورد نتیجه‌ای که منجر به بهره‌برداری گردد، وجود نداشته است.^{۲۸}

امتیازنامه دارسی: سرآغاز قراردادهای امتیازی

امتیازنامه دارسی تنها امتیازنامه موفق زمان خود بوده است. مسیو دمرگان مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی گزارش‌هایی دال بر وجود نفت در مناطق غرب و جنوب غربی ایران از جمله قصر شیرین ارائه کرده بود. نتایج اکتشافات مسیو دمرگان در ۱۸۹۲ میلادی در پاریس

۲۲. نک: احمد راسخی لنگرودی، موج نفت: تاریخ نفت ایران، از امتیاز تا قرارداد (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵)، ص ۳۲ - ۱۶.

۲۳. شرکت ملی نفت ایران، ص ۲.

۲۴. امتیازاتی که به اتباع خارجه داده شد عموماً با مخالفت روس‌ها به نتیجه نرسید و امتیازاتی که به داخلی‌ها اعطاء گردید به دلیل نداشتن سرمایه کافی و برخی عوامل دیگر به جایی نرسید.

۲۵. ضمناً امتیاز مناطقی هم که قبلاً به موجب فرمان سال ۱۳۱۳ هجری قمری توسط ناصرالدین‌شاه به محمد ولی‌خان تنکابنی داده شده بود، نیز توسط نامبرده طی قرارداد جداگانه‌ای به خستاریا (خوستاریا) واگذار شد. پس از سپهسالار تنکابنی هم مصمصام‌السلطنه وقتی به صدارت رسید امتیاز خستاریا را لغو کرد. نک: شرکت ملی نفت ایران، ص ۴.

26. Amiranin

27. Sea Board

۲۸. نک: شرکت ملی نفت ایران، ص ۵ - ۴.

اعلام و اطلاع ویلیام ناکس دارسی^{۲۹} از این مطلب مشوقی در جهت تحصیل امتیاز بوده است. سر آرتور هاردینگ^{۳۰} وزیر مختار بریتانیا و ماریوت،^{۳۱} نماینده دارسی، کوشش خود را برای اخذ این امتیازنامه به کار بستند و بجز ولایات شمالی (آذربایجان، مازندران، گیلان، استرآباد و خراسان) امتیازنامه دارسی بقیه نقاط ایران را برای اکتشاف و استخراج نفت شامل می‌شد.^{۳۲} سرانجام با دلالتی کتابچی خان مدیریت کل گمرکات ایران، امتیاز دارسی در هفتم خردادماه سال ۱۲۸۰ (نهم ماه صفر ۱۳۱۹، ۲۸ ماه می ۱۹۰۱) به امضای مظفرالدین‌شاه رسید.^{۳۳} دوره این امتیازنامه ۶۰ سال و برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری کشور و مسائل وابسته بوده است.^{۳۴}

حاکمان وقت نسبت به موضوع چندان هشیار نبوده و نه تنها امتیاز مناسبی را واگذار نکرده بلکه به همراه آن امتیازاتی مثل امکان استفاده از اراضی، معافیت‌های مالیاتی و گمرکی را نیز اعطاء نمودند.^{۳۵} به موجب فصل نهم، صاحب امتیاز حق داشت با همان حقوق و تعهداتی که برای خود او مقرر شده بود شرکت‌هایی تشکیل دهد و در فصل دهم شرط شده بود که نخستین شرکت باید بیست هزار لیره^{۳۶} نقد و بیست هزار لیره به صورت سهم پرداخت شده، به دولت ایران بدهد و تمام شرکت‌ها نیز صدی شانزده از منافع خالص خود را حق الامتیاز بدهند. به علاوه چون در شوشتر و دالکی بوشهر و قصر شیرین قبلاً از معادن نفت بهره‌برداری می‌شد و جمع حقوق دیوانی آنها بالغ بر دو هزار تومان بود، طبق فصل چهارم قرار شده بود این مبلغ را نیز صاحب

29. William Knox Darcy

30. Sir Arthur Hardinge

31. Alfred Marriott

۳۲. علی فرهمند، «معرفی سند: ناگفته‌های امتیاز دارسی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۹ (زمستان ۱۳۸۵)، ص ۱۶۷

- ۱۶۳.

۳۳. نماینده دارسی که عازم ایران شد ماریوت بود و دارسی به ایران نیامد. نک: راسخی لنگرودی، ص ۲۸-۳۳.

۳۴. توجه کنید که طی دوران بعد شرکت دارسی قراردادی با خوانین بختیاری موسوم به قرارداد بختیاری را منعقد کرد. همچنین چند قرارداد دیگر فرعی به نام‌های قرارداد سادات قیری، قرارداد شیخ محمره و قرارداد آرمیتاز منعقد شدند. در این باره نک: علی یعقوبی‌نژاد، رئیس نفت (بی‌جا: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۳)، ص ۳۲۲-۳۱۷.

۳۵. فصل سوم و فصل هفتم امتیازنامه دارسی.

۳۶. در ارتباط با واحدهای پول بکار رفته در امتیازها و قراردادهای مختلف توضیح مختصری ضروری است. اول اینکه لیره استرلینگ نام دیگر پوند است. هر پوند و یا همان لیره در قدیم معادل ۱۲ شیلینگ بوده به نحوی که واحد پول بریتانیای قدیم مضاربی از ۱۲ بوده است. هر ۱۰ پنس هم معادل یک شیلینگ است. بنابراین یک لیره قدیم معادل ۱۲۰ پنس بوده است. پنس صورت جمع پنی است. برای مثال یک پنی، دو پنس، سه پنس و غیره. هم اکنون پول جدید انگلستان به صورت مضاربی از ده بوده و واحد آن پوند است که قابل تقسیم به ۱۰۰ پنس است.

امتیاز عیناً به دولت بپردازد. به موجب فصل سیزدهم قرار بود حقوق مکتسبه اشخاص در معادن مکشوفه محفوظ باشد. فصل پانزدهم امتیازنامه مقرر می‌کرد که پس از انقضای دوره امتیاز کلیه اموال و تأسیسات مجانی به دولت ایران منتقل شوند. در فصل دهم امتیازنامه پیرامون حقوق دولت ایران نیز چنین آمده است: «بین صاحب امتیاز از یک طرف و شرکتی که تشکیل کند از طرف دیگر قرارداد خواهد شد که یک ماه بعد از تاریخ تأسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر سهام پرداخت شده بدولت علیه بدهد. علاوه بر آن، شرکت و تمام شرکت‌هایی که تأسیس خواهند شد مکلف خواهند بود که از منافع خالص سالیانه خود صدی شانزده بدولت علیه سال بسال کارسازی نمایند.» به طور خلاصه دیده می‌شود که بر مبنای امتیازنامه داری منافع اقتصادی ایران به دو هزار تومان، بیست هزار لیره انگلیسی، بیست هزار لیره سهم و شانزده درصد از منافع خالص سالیانه شرکت‌ها محدود می‌شد.^{۳۷}

این قرارداد پس از هفت سال از تلاش سخت جورج رینولدز،^{۳۸} رئیس هیأت حفاری، سرانجام در سال ۱۹۰۸ میلادی در میدان مسجد سلیمان به نفت رسید.^{۳۹} چهار سال پس از آن پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۱۲ احداث و اولین محموله نفتی صادر شد. از ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۳ که قرارداد لغو گردید جمعاً مقدار ۵۶۱۴۷۰۰۰ متریک تن نفت صادر و در مقابل مبلغ ۱۳۸۲۳۰۰۰ لیره به خزانه ایران داده شد. متوسط درآمد خالص ایران از هر بشکه نفتی که در این دوره صادر شد بالغ بر ۶۷ درصد شیلینگ بود.^{۴۰} نظر به اهمیت فراوان نفت سیاست حيله‌گرانه‌ای بکار گرفته شد تا امتیاز داری به نوعی به دولت انگلستان واگذار گردد و دولت انگلیس مالک بیشتر سهام شرکت نفت انگلیس و ایران معادل

۳۷. نک: شرکت ملی نفت ایران، ص ۴-۲. داری ۳۰ هزار سهم به مظفالدین شاه و ۱۰ هزار سهم به اتابک اعظم، ۵ هزار سهم به وزیر معادن و ۵ هزار سهم به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه، پیشکش کرد. حق دلالتی خوبی هم نصیب کتابچی‌خان گردید. داری در اجرای فصل شانزدهم مبنی بر شرایط ابطال قرارداد، نخستین شرکت اکتشاف را با سرمایه ۶۰۰ هزار لیره استرلینگ تشکیل داد و به موجب فصل دهم امتیازنامه هم ۲۰ هزار لیره نقد و ۲۰ هزار لیره دیگر به صورت سهام به دولت ایران پرداخت کرد؛ نک: راسخی لنگرودی، ص ۳۸.

38. George Reynolds

۳۹. میدان نفتی مسجد سلیمان ویژگی‌های منحصر به فردی داشت از جمله اینکه به دلیل ویژگی‌های برتر مخزن از جمله فشار بالا، یک چاه آن صدها برابر یک چاه نفت کشور آمریکا در آن روزگار توان تولید داشت.

۴۰. وزارت اطلاعات، نفت ایران از دوران امتیازات تا حاکمیت، مالکیت، مدیریت و کنترل مطلق (تهران: وزارت اطلاعات، ۱۳۵۲).

این منبع یک گزارش ۲۳ صفحه‌ای است. چنین به نظر می‌رسد که گزارش معتبری باشد.

۵۳ درصد شد.^{۴۱} قرارداد داریسی با سرگذشت خاص خود در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) لغو شد^{۴۲} و پس از آن قرارداد امتیازی دیگری در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) معروف به قرارداد امتیاز به تصویب رسید^{۴۳} که مدت آن مجدداً شصت سال یعنی تا سال ۱۹۹۳ معین شد.

مفاد قرارداد امتیاز چنین بود: تقلیل حوزه امتیاز به یکصد هزار میل مربع، تمدید مدت قرارداد تا سال ۱۹۹۳، تبدیل حق انحصاری احداث و نگهداشت خطوط لوله بحق غیرانحصاری، پرداخت ۲۰ درصد منافع (مازاد بر سود سهام) به علاوه ۴ شیلینگ بابت هر تن نفت صادره یا مصرف شده در کشور به عنوان حق الامتیاز قرارداد،^{۴۴} تعهد شرکت به رعایت آخرین اصول علمی ناظر به صنعت نفت و دادن تمام اطلاعات لازم به دولت ایران، عدم استفاده از کارکنان خارجی در هر موردی که ایرانی واجد شرایط وجود داشته باشد و تخصیص سالی ده هزار لیبره برای آموزش دانشجویان ایرانی رشته صنعت نفت در انگلستان، تعهد شرکت به تأمین مصارف مواد نفتی مورد نیاز داخل کشور بر مبنای قیمت‌های خلیج مکزیک یا رومانی (هر کدام ارزانتر باشد) با تخفیفی برابر ۱۰ تا ۲۵ درصد باضافه هزینه حمل و توزیع.^{۴۵} پس از امضای قرارداد بالا، فعالیت‌های وسیعی به منظور توسعه رشته‌های مختلف اکتشاف، استخراج، پالایش، صدور و پخش آغاز شد که در نتیجه میزان تولید از ۷ میلیون تن در سال ۱۹۳۳ میلادی به ۳۱,۷ میلیون تن در سال ۱۹۵۰ بالغ شد و فروش مواد عمده نفتی در داخل کشور نیز از رقم ۸۱۰۰۰ متر مکعب در سال به ۱۰۲۹۰۰۰ متر مکعب افزایش یافت. از تاریخ انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ میلادی تا هنگام ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۹۵۱ یعنی در مدت ۱۸ سال، شرکت جمعاً ۱۲۵۷۴۰۲۳۵۰ تن متریک نفت صادر کرد که در مقابل آن ۱۰۶۰۰۵۴۰۸ میلیون لیبره انگلیسی یا معادل تقریباً ۳۰۰ میلیون دلار عاید خزانه دولت شد، به طوری که درآمد متوسط از هر بشکه نفت صادره معادل ۱,۲۳ شیلینگ

۴۱. نک: راسخی لنگرودی، ص ۹۶-۳۳. لازم به ذکر است که در سال ۱۲۸۸ شمسی طبق قرارداد داریسی شرکت نفت انگلیس و پرشیا (Anglo-Persian Oil Company (APOC)) تأسیس شد. این شرکت در قرارداد ۱۹۳۳ میلادی (۱۳۱۳ش) شرکت نفت انگلیس و ایران (Anglo Iranian Oil Company (AIOC)) نامیده شد. پس از قضیه ملی شدن صنعت نفت نام شرکت به بریتیش پترولیوم (British Petroleum (BP)) تغییر کرد و شرکت ملی نفت ایران نیز پدید آمد. در اینجا عمدتاً از نام شرکت نفت انگلیس و ایران و یا شرکت برای اشاره به موضوع استفاده می‌شود.

۴۲. برای مطالعه نحوه الغاء قرارداد داریسی توسط رضاشاه نک: راسخی لنگرودی، ص ۶۹-۶۷ پس از لغو قرارداد توسط ایران، انگلیس به شورای جامعه ملل و دیوان دائمی داوری بین‌المللی لاهه شکایت برد. ایران به صلاحیت مراجع مزبور اعتراض کرد و موضوع را یک امر داخلی دانست. بعدها نیز مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت از همین ابزار استفاده کرد.

۴۳. ج. بمبرک، ۲۶ سال با صنعت نفت ایران، به روایت شرکت «بریتیش پترولیوم» (۱۹۵۴-۱۹۲۸)، ترجمه علیرضا حمیدی یونسو (انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۸۰)، ص ۶۰-۵۰.

۴۴. حق الامتیاز از قرار تنی چهار شیلینگ که چون به نسبت حجم بود از ترقی قیمت نفت سهمی عاید ما نمی‌شد.

۴۵. شرکت ملی نفت ایران، ص ۱۲-۴؛ فرشادگهر، ص ۱۱۷-۱۰۲.

انگلیسی یا ۲۲,۵ سنت آمریکایی شد که از نظر مالی تقریباً دو برابر درآمد ناظر به امتیازنامه داری بود. آمار اقتصادی قرارداد داری و قرارداد امتیاز در جدول شماره یک آورده شده است:^{۴۶}

جدول ۱: صادرات نفت خام و درآمد ایران ۱۹۵۱-۱۹۱۲

نام قرارداد	صادرات: (تولید منهای مصرف داخل به تن متریک)	درآمد خزانه ایران (لیره)	درآمد ایران به ازای هر تن متریک (لیره)
داری (۱۹۱۲-۱۹۳۳: ۲۱ سال)	۵۶,۱۴۷,۰۰۰	۱۳,۸۲۳,۰۰۰	۰,۲۵
قرارداد امتیاز (۱۹۵۱-۱۹۳۳: ۱۸ سال)	۲۳۵,۰۱۲,۵۷۴	۱۰۶,۰۰۵,۴۰۸	۰,۴۵
جمع (۱۹۵۱-۱۹۱۲: ۳۹ سال)	۲۹۱,۱۵۹,۵۷۴	۱۱۹,۸۲۸,۴۰۸	۰,۴۱

پس از قرارداد امتیاز، رخداد وقایعی همچون لایحه الحاقی گس گلشائیان به قصد بهبود شرایط قرارداد امتیاز و عدم پذیرش آن از سوی مجلس راه را برای ملی شدن صنعت نفت ایران مهیا کرد که شرح آن به کرات در منابع تاریخی آمده است، لذا از ورود تفصیلی به بحث آن اجتناب می‌شود.^{۴۷}

۴۶. وزارت اطلاعات، ص ۲۳.

۴۷. برای مثال نک: فؤاد روحانی، *تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران* (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲)؛ راسخی لنگرودی. نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ملی و شرکت ملی نفت ایران نیز از سال ۱۳۳۰ رسماً تأسیس و آغاز به کار کرد. لازم به توضیح است که چند سال قبل در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ در فصل هفتم «قانون اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی» در ارتباط با برنامه هفت ساله، شرکتی به نام شرکت سهامی نفت ایران به منظور اکتشاف و بهره‌برداری از سایر منابع نفتی کشور (به غیر از منطقه قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران) تشکیل شده بود. شرکت سهامی نفت ایران را می‌توان پیش درآمد تولد شرکت ملی نفت ایران به حساب آورد. طبق ماده ۷۴ اساسنامه سال ۱۳۳۳ شرکت ملی نفت ایران، مالکیت سهام شرکت سهامی نفت ایران که به موجب قانون ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ برای اکتشاف منابع نفتی در خارج از منطقه عملیات شرکت ملی نفت ایران مصرح در ماده دوم قرارداد فروش نفت (قرارداد کنسرسیوم) مصوبه هفتم آبان ماه ۱۳۳۳ تشکیل یافته بود، به شرکت ملی نفت ایران منتقل شد. از جمله انتقادات مهم وارده به دوران ملی شدن و زمان‌های پس از آن عدم تعریف واژگان مهمی همچون مفهوم ملی شدن، شرکت ملی، حقوق مالکیت منابع هیدروکربوری، هدف شرکت ملی نفت ایران و غیره است. برای مثال مالک منابع هیدروکربوری در قوانین ایران به شدت ابهام دارد که این خود یکی از علل مهم پدید آمدن فرصت‌های رانت‌جویی در اقتصاد ایران طی ادوار مختلف بوده است. نگارنده اعتقاد دارد که مالک منابع هیدروکربوری، نسل‌های ملت ایران هستند. متأسفانه سیاست‌گذاران کشور طی ۶۰ سال گذشته اقدام خاصی برای تعریف و رفع ابهام‌های مذکور انجام نداده‌اند. لذا با توجه به اهمیت تعریف صحیح واژگان مذکور در عملکرد بهینه اقتصادی جوامع، می‌توان ساختار نامتناسب کنونی کشور را تا حدود زیادی منتج از این قبیل مسائل دانست. در این زمینه حقوق مالکیت و اقتصاد آن نک:

Harold Demsetz, "Toward a Theory of Property Rights," *American Economic Review*, Vol. 57, No. 2. (May 1967), pp 347 - 359; R. H. Coase, "The Problem of Social Costs," *Journal of Law and Economics*, University of Chicago Press. Vol. 3 (October 1960), pp 1- 44; Enrico Colombatto, *The Elgar Companion to The Economics of property Rights*. (London: Edward Elgar publishing, 2004).

جمع‌بندی تحلیلی وقایع قراردادهای اولیه و قراردادهای متعاقب داری و امتیاز را می‌توان چنین بیان داشت: انعقاد قراردادهای اولیه نظیر داری و دیگر امتیازات در یک فضای نسبی جهل به موضوع، توأم با نیاز اقتصادی حکام و ضعف کشور آغاز شد، اما رفته رفته آگاهی عموم نسبت به موضوع افزایش یافت و در بستر زمان اصلاحات آغاز شدند. در این برهه‌های تاریخی، نفت سهم زیادی در تحول نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور داشته است. در این دوران شهرهایی مثل مسجد سلیمان و آبادان رشد یافته و به شهرت جهانی رسیدند.

قرارداد فروش نفت و گاز (قرارداد کنسرسیوم)

پس از ملی شدن صنعت نفت، کشور چندان در مقابل فشار قدرت‌ها تاب نیاورد و در سال ۱۳۳۳ شمسی تن به انعقاد و تصویب قرارداد فروش نفت و گاز مشهور به قرارداد کنسرسیوم داد. این قرارداد بین ایران و ۸ شرکت خارجی (۵ شرکت آمریکایی به علاوه سه شرکت اروپایی) منعقد شد. از طرف ایران علی امینی وزیر دارایی و از طرف کنسرسیوم هوارد پیچ^{۴۸} از شرکت جرسی مسئول مذاکره بودند. بنابراین لایحه مربوطه به امینی - پیچ معروف شد. این قرارداد، قرارداد مهمی بود که پیش و پس از تصویب واکنش‌هایی را در بین اقلشار مختلف و نمایندگان برانگیخت.^{۴۹} قرارداد کنسرسیوم در دو قسمت با دو ضمیمه مشتمل بر ۵۱ ماده مفصل به نام «قانون راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن» در هفتم آبان ۱۳۳۳ (۱۹۵۴م) به تصویب نهایی مجلسین رسید.

در این قرارداد دولت انگلیس به نحو احسن ضرر خود از ملی شدن نفت را جبران کرد، به نحوی که هم ۶۰ درصد قرارداد را به سایر اعضای کنسرسیوم فروخت و هم از ایران غرامت گرفت. انگلیس مجموعاً قریب یک میلیارد دلار (به ارزش پول آن زمان) از ایران و سایر اعضای عضو کنسرسیوم غرامت دریافت کرد.^{۵۰} ترکیب سهام قرارداد کنسرسیوم نیز بدین شرح بوده است: پنج شرکت آمریکایی در مجموع ۴۰ درصد (هر یک ۸ درصد)، شرکت بریتیش پترولیوم ۴۰ درصد، شرکت رویال داچ شل ۱۴ درصد و شرکت نفت فرانسه ۶ درصد. قدرت‌های نفتی آن روزگار شرکت نفتی اِنی ایتالیا را به این بازی پرسود راه ندادند لذا همانطور که خواهیم دید این حرکت،

48. Howard Page

۴۹. برای نمونه نک: م علیجانی، متن کامل نطق‌های آقایان ساتور لسانی، دیوان بیگی، مهندس شریف امامی و دکتر حسینی

در رد «قرارداد» نفت با کنسرسیوم معروف به (امینی-پیچ) (بی‌نا، بی‌تا).

۵۰. موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۱۱۸ - ۱۱۱.

مبنایی برای پدید آمدن قراردادهای مشارکتی شد. طبق قرارداد کنسرسیون شرکت ملی نفت ایران محصول نفت و گاز حوزه قرارداد^{۵۱} را به بهای تمام شده به اعضای کنسرسیون (شرکت‌های بازرگانی) می‌فروخت و شرکت‌های طرف قرارداد نفت استحصال را یا به همان صورت خام و یا پس از تبدیل به محصولات تصفیه شده (پالایش) در ایران در نقطه صدور به قیمت اعلان شده^{۵۲} می‌فروختند^{۵۳} و پس از وضع هزینه‌ها و مخارج، نیمی از سود ویژه را به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت می‌کردند.^{۵۴}

شرکت‌های بازرگانی طرف قرارداد هنگام خرید نفت، معادل ۱۲٫۵ درصد کل استخراج را به صورت غیرنقدی یا نقدی به بهای اعلام شده تحت عنوان پرداخت مشخص که همان حق الارض بوده به شرکت ملی نفت ایران تحویل می‌دادند. بدین دلیل که پس از تعیین سود ویژه و مالیات آن به نرخ همان پنجاه درصد، معادل پرداخت مشخص مذکور از این مبلغ کسر می‌شده و حق الارض به صورتی که در سایر موارد معمول بوده پرداخت نمی‌شده است. این نقص یکی از مواردی است که در قرارداد الحاقی ۱۳۴۳ شمسی (۱۹۶۵ م) تا حدودی اصلاح شده است.^{۵۵} حوزه قرارداد کنسرسیون تقریباً معادل مساحت حوزه امتیاز پیش از ملی شدن صنعت نفت است. به عبارتی دیگر حوزه قرارداد کنسرسیون تقریباً منطبق بر حوزه عملیات شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بوده و مدت قرارداد از تاریخ اجرا بیست و پنج سال با امکان تمدید در سه دوره پنج ساله پیش‌بینی شده بود.^{۵۶}

فرمول حقوقی که برای تطبیق وضع با اصل ملی شدن نفت مورد قبول واقع شد این بود که اعضای کنسرسیون به عنوان خریداران نفت، قراردادی را با شرکت ملی نفت ایران و دولت امضا کنند. سپس

۵۱. ناحیه عملیات در ضمیمه یک قرارداد که قسمت وسیعی از مساحت کشور را تشکیل می‌دهد آورده شده است.

52. Posted Price

۵۳. قیمت اعلان شده که اساس محاسبه بیشتر نفت محصول خاورمیانه بوده اولین بار در آمریکا متداول شد. بدین طریق که قیمت‌های نفت را در میدان‌های نفتی به تیرهائی (Posts) می‌آویختند و همین عمل باعث شده بود که به آن قیمت‌های Posted Price یا قیمت تیر گفته شود که به معنای قیمت اعلان شده (بر مبنای قیمت نفت در خلیج آمریکا) است و به همین نام هم نیز در فارسی تلفظ گردیده است. نک: محمود منصوری نراقی، نفت، ج ۱ (مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه) (بی‌جا: چاپخانه صبح امروز، ۱۳۵۰)، ص ۲۱۲.

۵۴. ماده ۱۸ قرار داد کنسرسیون ۱۳۳۳. قراردادهای ذیربط به صورت قانون بوده و لذا مصوب مجلس هستند. برای دیدن متن آنها نک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و معاونت پژوهشی، نرم‌افزار لوح حق، (۱۳۸۸). نرم‌افزار لوح حق در بردارنده حافظه قوانین و مقررات کشور است. همچنین متن قرارداد کنسرسیون در صفحات ۱۷ تا ۶۴ کتاب سفید شرکت ملی نفت ایران آمده است.

۵۵. مواد ۲۲ و ۲۳ و ۲۸ قرارداد کنسرسیون ۱۳۳۳.

۵۶. ماده ۴۹ قرارداد کنسرسیون ۱۳۳۳.

شرکت ملی نفت ایران به موجب قرارداد کنسرسیوم مالک کلیه منابع نفتی در سرتاسر کشور تلقی می‌شد. این شرکت نفت خامی را که در حوزه قرارداد کنسرسیوم استحصال می‌شد در سر چاه به اعضای کنسرسیوم می‌فروخت. به عبارت دیگر مالکیت در سر چاه منتقل می‌شد.^{۵۷} اعضای کنسرسیوم هم به نوبه خود این نفت را در بنادر ایران به قیمت فوب^{۵۸} می‌فروختند. قیمت فوب باید توسط کنسرسیوم براساس قیمت نفت‌های مشابه خلیج فارس تعیین و اعلان می‌شد. تفاوت بین قیمت اعلان شده و هزینه‌ای که برای استحصال نفت به مصرف رسیده بود به عنوان درآمد تلقی و پنجاه درصد درآمد از باب مالیات به دولت ایران پرداخت می‌شد. شرکت ملی نفت ایران که مالک نفت خام تلقی می‌شد در برابر فروش آن به اعضای کنسرسیوم وجوهی دریافت می‌کرد که در قرارداد پرداخت مشخص^{۵۹} نامگذاری شده بود. پرداخت مشخص معادل یک هشتم بهای نفت خام (۱۲٫۵ درصد) و همان است که در قراردادهای دیگر عنوان بهره‌ء مالکانه یا حق‌الامتیاز^{۶۰} را دارد. به موجب قرارداد اصلی پرداخت مشخص جزو مالیات تلقی و مالیات معادل پنجاه درصد درآمد ویژه می‌شد. بنابراین، آنچه از بابت پرداخت مشخص به شرکت ملی نفت ایران پرداخت می‌شد در آخر سال از حساب مالیات دولت کسر می‌شد به طوری که درآمد ایران از همه جهت از همان پنجاه درصد تجاوز نمی‌کرد. این ترتیب بعدها تغییر یافت به نحوی که پرداخت مشخص جزو مالیات محسوب نمی‌شد بلکه جزو اقلام هزینه منظور می‌شد.^{۶۱}

برای عملیات اکتشاف و استخراج «شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران»^{۶۲} و برای تصفیه نیز یک شرکت تصفیه به نام «شرکت سهامی پالایش نفت ایران»^{۶۳} تشکیل شد که در کل «شرکت‌های عامل» نامیده می‌شدند. این شرکت‌ها که در حکم طرف قرارداد شناخته می‌شدند، تابعیت هلندی^{۶۴}

۵۷. ماده ۱۸ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳. بند «ط» ماده یازدهم قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره مصوب هفتم مرداد ۱۳۳۶ مشهور به قانون نفت ۱۳۳۶ نیز بر انتقال مالکیت در سر چاه تأکید کرده است.

۵۸. منظور از قیمت فوب (Free on Board) قیمت تحویل کالا در مبدأ به خریدار بدون در نظر گرفتن هزینه‌های حمل و نقل، بیمه و غیره است. لذا خریدار خود مکلف به تحمل هزینه‌های مذکور است. فوب در مقابل سیف قرار دارد. نک: مرتضی قره‌باغیان، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۳ و ۲۹۹.

59. Stated Payment

60. Royalty

۶۱. موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۹۳ - ۸۸.

62. Iranian Oil Exploration and Production Company

63. Iranian Oil Refining Company

۶۴ نقش شرکت شل و کشور هلند در این قرارداد بارز است. برخی اسامی در متن قرار کنسرسیوم به زبان هلندی است. شرکتی با نام هلندی باتافشه پترولوم ماتشاپای (Bataafsche Petroleum Maatschappij means: Batavian Oil Company) یکی از شرکای کنسرسیوم بوده که نام آن در قرارداد آمده است. این نام برای یکی از شرکت‌های هلدینگ شل (۱۹۶۰-۱۹۰۷) بکار می‌رفته است. معمولاً در منابع به‌جای نام شرکت مذکور نام شرکت مادر یعنی شل به عنوان یکی از شرکای کنسرسیوم آورده می‌شود.

داشته ولی در ایران به ثبت رسیده بودند. در هیأت مدیره آنها هم دو مدیر ایرانی شرکت داشتند.^{۶۵} اگرچه بنای این قرارداد به اصطلاح بر مبنای اصل پنجاه به پنجاه نهاده شده بود اما بدین دلیل که عواید پالایشگاه به صورت واقعی مورد محاسبه قرار نمی گرفت. منافع شرکت تصفیه روی یک فرمول معین در حدود پنج درصد حساب می شده و سهم ایران از این بابت تقریباً دو و نیم درصد قیمت نفت خام بوده است؛ در حالیکه اختلاف قیمت بین نفت تصفیه شده و خام به مراتب بیشتر است. به عبارت دیگر شرکت های عضو کنسرسیوم و یا همان شرکت های بازرگانی وقتی نفت خام را تصفیه نموده و به فروش می رساندند چنین تلقی می شد که علاوه بر هزینه واقعی پالایش و قیمت نفت خام فقط پنج درصد به عنوان منافع تصفیه منظور می کرده اند.^{۶۶} وزارت اطلاعات (۱۳۵۲) بیان می کند که تقسیم منافع بین ایران و شرکت های عضو کنسرسیوم بر اساس اصل ۵۰-۵۰، درآمد ایران از هر بشکه نفت صادره از طرف شرکت های بازرگانی عضو کنسرسیوم را تقریباً به چهار برابر قبل از ملی شدن افزایش داده است.^{۶۷} از آنجا که در همان منبع درآمد صادره قبل از ملی شدن معادل ۱,۲۳ شیلینگ انگلیسی یا ۲۲,۵ سنت آمریکایی نگاشته شده است، چنین نتیجه گرفته می شود که از قبل قرارداد کنسرسیوم درآمد ایران از هر بشکه نفت صادره به ۴,۹۲ شیلینگ انگلیسی و یا ۹۰ سنت آمریکایی افزایش یافته است.

در قرارداد کنسرسیوم انجام عملیات کمکی یا غیرصنعتی موضوع ماده هفدهم قرارداد، در حوزه عملیات، بر عهده شرکت ملی نفت ایران نهاده شده بود و هزینه های این عملیات متناسب با خدماتی که برای هر یک از شرکت های عامل از این بابت انجام می گردید، از همان شرکت دریافت می شد و آن شرکت این هزینه ها را جزو هزینه های جاری خود منظور می داشت. به عبارت دیگر طبق ماده ۱۷ مذکور امور غیر صنعتی و پر دردسر از جمله منازل و امکنه و متعلقات مربوطه، نگهداری طرق و شوارع مورد استفاده عام، امور بهداری و بهداشتی، اداره نمودن خواربار و تالارهای

۶۵ ماده ۴ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳.

۶۶ دکتر محمود قاسم زاده مباحثی در تجزیه و تحلیل و مقایسه اقتصادی قرارداد فروش نفت و گاز ۱۹۵۴/۱۳۳۳ با امتیازنامه اقتصاد منبع مذکور را به رشته تحریر درآورده است. دکتر منوچهر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل معروف شرکت ملی نفت ایران، تقریبی بر کتاب مذکور نگاشته است. در کتاب مذکور اطلاعاتی در باب درآمدهای نفتی، عملیات و اطلاعات حسابداری مربوطه و سایر اطلاعات ارزشمند مالی و غیر مالی خود در باب قراردادهای ۱۳۱۲ و کنسرسیوم جمع آوری شده است. نک: محمود قاسم زاده، اقتصاد نفت ایران، تجزیه و تحلیل و مقایسه اقتصادی قرارداد فروش نفت و گاز با امتیازنامه ۱۹۳۳ شرکت سابق نفت انگلیس و ایران (تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۷).

۶۷ وزارت اطلاعات، ص ۲۳-۱.

غذاخوری و رستوران‌ها و فروشگاه‌های البسه، تعلیم و تربیت فنی و صنعتی، حفظ اموال، رفاه اجتماعی، وسایل نقلیه عمومی، آب و برق مصرف اهالی، هر دستگاه دیگری که برای رفاه عمومی لازم باشد و غیره بر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت تا به اصطلاح سهمی از امور را هم به ایرانی‌ها داده باشند.^{۶۸}

در قرارداد کنسرسیوم معافیت‌های گمرکی جهت واردات شرکت‌های عامل نیز برقرار شده بود. همچنین به شرکت‌های بازرگانی و شرکت‌های عامل آزادی‌ها و تضمین‌هایی دال بر آزادی در صدور و فروش نفت ایران به هر ترتیبی که مایل باشند، آزادی در نقل و انتقال وجوهی که عاید آنها می‌شود، آزادی در انتقال حقوق و منافع خود به دیگران و غیره اعطاء شده بود.^{۶۹} حق نظارت بر عملیات و رسیدگی به حساب‌های شرکت‌های عامل برای شرکت ملی نفت ایران محفوظ بوده و شرکت در صورت تمایل می‌توانست رسیدگی به این حساب‌ها را به حساب‌رسان متخصص بین‌المللی واگذار کند.^{۷۰} طبق قرارداد کنسرسیوم، دولت ایران حق فسخ قرارداد را نداشت. اگرچه کنسرسیوم عامل ایران بود اما طرق حل اختلاف در خارج طراحی شده بود. سناتور دیوان‌بینگی نماینده سنا طی نطق مفصلی که یکی از محورهای آن همین موضوع بود، بر ضد انعقاد قرارداد کنسرسیوم صحبت کرد.^{۷۱}

قرارداد کنسرسیوم یک قرارداد پیچیده بود که الگوی قراردادی چندان خاصی نداشت و لذا نمی‌توان آن را مستقیماً به یکی از مدل‌های قراردادی امتیازی، مشارکتی و یا خدمتی منتسب دانست، اما شاید بتوان آن را پل ارتباطی بین قراردادهای امتیازی و مشارکتی به حساب آورد. محبی در ارتباط با قرارداد کنسرسیوم چنین نظری دارد: «قرارداد کنسرسیوم، از نوع امتیاز نبود، بلکه قرارداد مشارکت در تولید^{۷۲} به روش عاملیت محسوب می‌شد.»^{۷۳} به هر تقدیر قرارداد کنسرسیوم به

۶۸. ماده ۱۷ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳.

۶۹. ماده ۳۴ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳.

۷۰. جزء «ز» ماده ۴ قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳.

۷۱. علیجانی، ص ۱۲۷-۶۸.

۷۲. قراردادهای مشارکت شامل قرارداد مشارکت در تولید (production sharing)، مشارکت در سرمایه‌گذاری (joint venture)

و قراردادهای (BOT) می‌باشد. در اینجا، قرارداد مشارکت در تولید شامل خصوصیات ذیل می‌باشد:

۱. انجام اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری و قبول کلیه ریسک‌ها توسط پیمانکار

۲. مالکیت پیمانکار در نفت حاصله پس از استخراج آن در محل مشخص

۳. تسهیم هزینه‌ها از نفت استخراجی

۴. تقسیم نمودن نفت استحصالی پس از کسر هزینه‌ها و پرداخت حق‌الامتیاز و مالیات

۷۳. محسن محبی، مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داورى بین‌المللی، سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی

(تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶)، ص ۱۶۰.

لحاظ داشتن شرایط خاص و مقررات پیچیده و حقوق و تعهدات مخصوص برای طرفین مبادله، تنها قرارداد منحصر به فرد نفتی خاورمیانه و بلکه جهان بوده است، به دلیل اینکه این قرارداد محصول یک دوران کشمکش و هیاهو بین ایران و بریتانیا و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران می‌باشد. قرارداد کنسرسیوم دارای دو قسمت است که در قسمت اول قرارداد بین دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران از یک سو و سایر اعضای کنسرسیوم نفت از سوی دیگر توافق صورت گرفته است. در این قسمت تشکیلات شرکت‌های عامل و روابط آنها با دولت ایران و طریق پرداخت‌ها و تقسیم منافع و خرید و فروش نفت و مسائل مهم دیگر طرح شده است. در قسمت دوم قرارداد مطالب مربوط به حل و فصل اختلافات گذشته شرکت سابق نفت و دولت ایران و تصفیه خسارات و مطالبات طرفین مد نظر بوده است. به علاوه در سرتاسر قرارداد تعهداتی از طرف امضا کنندگان به نفع طرف مقابل یا اشخاص ثالث بوده که همه به لحاظ قراردادی ابدایی و ابتکاری محسوب شده و از نظر حقوقی نیز تازگی داشته است. مثلاً در تمام شرکت‌های نفتی تا آن زمان عملیات نفتی از همدیگر تفکیک نمی‌شده است در صورتی که در این قرارداد امور به دو دسته (بالادستی و پایین‌دستی) تقسیم شده است. برای هر یک از این دو دسته نیز یک شرکت جداگانه آنهم با تابعیت کشور هلند تشکیل شده بود. با اینکه در زمان امضای قرارداد شرکت‌های مزبور وجود نداشته‌اند اما اعضای کنسرسیوم تعهد کرده بودند که پس از تشکیل شرکت‌های عامل مزبور، قرارداد را به امضای آنها نیز برسانند. در قرارداد مقرر شده بود که شرکت‌های عامل در مدت قرارداد کلیه حقوق و اختیارات برای انجام وظایف از طرف ایران و شرکت ملی نفت را خواهند داشت. به این ترتیب از یک طرف سمت شرکت‌های مزبور مشابه سمت واگذار شده در قراردادهای پیمانکاری به پیمانکاران است و از طرف دیگر مشاهده می‌شود که این پیمانکار برخلاف پیمانکاران دیگر شخصاً هیچ‌کاره است و در حقیقت اعضای اصلی کنسرسیوم هستند که مستقیماً از همه اختیارات و حقوق قرارداد استفاده می‌کنند.

مسائل دیگر از قبیل مالکیت نفت استحصالی و خرید و فروش و قیمت آن و تعهدات طرفین در این مورد و مالکیت اموال و اشیاء و مستحدثات که آیا متعلق به کیست و اختیار استفاده از آنها تا چه حد است و چگونگی حقوق اعضای کنسرسیوم و شرکت‌های عامل و شرکت ملی نفت ایران همه غامض و پیچیده است ولی در عین حال بسیاری شرایط مشابه شرایط عمومی قراردادهای نفتی، در این قرارداد موجود است.^{۷۴} قرارداد کنسرسیوم قرارداد پیچیده‌ای است که فهم آن در زمان

امضای قرارداد و حتی پس از آن برای تصمیم‌سازان مملکت دشوار بود. شاید بتوان چنین اظهار داشت که این پیچیدگی نیز بدون علت نبوده و از سوی اعضای کنسرسیوم برای بهره‌برداری بهتر منابع ایران به حکام وقت دیکته شده است. سرانجام قانون «قرارداد الغاء نفت با کنسرسیوم مصوب سال ۱۳۳۳ و اجازه اجرای قرارداد فروش و خرید نفت بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت‌های خارجی»^{۷۵} مصوب هشتم مرداد ماه ۱۳۵۲، قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ را ملغی و تصویب قرارداد جدیدی را اعلام کرد.

پیدایش و تحول قراردادهای مشارکتی

پس از قرارداد کنسرسیوم شرکت ملی نفت ایران با برخی از شرکت‌ها وارد قراردادهای جدیدی شد. دوره بیست ساله ۱۳۵۳ - ۱۳۳۳ را می‌توان فصل نوین تحولات پویا و چشمگیر در ترتیبات قراردادی به حساب آورد. در این دوران، زمان انعقاد قراردادهای امتیازی در کشور به پایان رسیده و قراردادهای مشارکت در تولید و خدمت به ترتیب به جمع توافقات قراردادی صنعت نفت کشور پیوستند. در این دوره پویا سهم ایران از وزن تحولات قراردادی در صنعت نفت دنیا بالا بوده است، به نحوی که می‌توان آن را کشور پیشرو در این زمینه به حساب آورد.

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد گول‌های نفتی برای شرکت نفتی انی ایتالیا سهمی از قرارداد کنسرسیوم در نظر نگرفتند، لذا انریکو ماتئی،^{۷۶} رئیس معروف شرکت ملی نفت انی^{۷۷} در صدد برآمد تا قرارداد جذابی به ایران پیشنهاد کند. این کار به مذاق شرکت‌های عضو کنسرسیوم خوش نیامد، چرا که سطح توقع کشورهای منطقه را بالا می‌برد. به هر تقدیر شرکت آجیپ^{۷۸} که از شرکت‌های اصلی انی بود تمایل خود برای عقد قراردادی جذاب به ایران اعلام کرد. لذا در اجرای قانون نفت در سال ۱۳۳۶ و تقریباً همزمان با تصویب آن،^{۷۹} قراردادی با شرکت نفت آجیپ مینراریا منعقد شد. بدین نحو که قانون نفت در ۱۳۳۶/۵/۷ و قرارداد آجیپ مینراریا در ۱۳۳۶/۶/۲ به تصویب مجلسین رسیدند. اهمیت این قرارداد در این است که اولین قرارداد مشارکتی در تاریخ صنعت نفت ایران به حساب می‌آید. به

۷۵. قانون مذکور در نرم‌افزار لوح حق موجود است. همچنین برای تفصیل مباحث نک: ناصر فرشاد گهر، ص ۲۱۹ - ۲۱۱؛ فؤاد روحانی، صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن (تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶)، ۴۱۹ - ۳۷۳.

76. Enrico Mattei

77. Ente Nazionale Idrocarburi(ENI)

78. Agip Company (Azienda Generali Italiana Petroli - Italian General Oil Company).

۷۹. لازم به یادآوری است که روایت تحول قوانین نفت و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران بسیار جالب توجه است که بررسی آنها مجال خاص خود را می‌طلبد.

عبارت دیگر عدم راهیابی ایتالیایی در بازی نفت کنسرسیوم برای صنعت نفت ایران سودمند واقع شد و تحول نهادی ترتیبات قراردادی در تاریخ اقتصادی کشور را با یک جهش چشمگیر مواجه ساخت. لذا مفید است تا نگاهی به کلیات قرارداد آجیپ مینراریا انداخته شود. طبق قانون نفت ۱۳۳۶، مشارکت با خارجیان یا به صورت یک شرکت (سازمان مشترک) ایرانی مستقل است یا به صورت دستگاه مختلط (مشارکت مدنی ثبت نشده). در قرارداد آجیپ مینراریا حالت اول انتخاب شد. قراردادهای این دوره از نوع قراردادهای ۷۵٪ - ۲۵٪ بودند، زیرا طرفین هر یک پنجاه درصد سهم داشتند و مجبور بودند نصف آن را مالیات به دولت ایران بپردازند. بنابراین طرف خارجی مالک ۲۵٪ کل درآمد نفتی می‌شد.^{۸۰} به لحاظ تاریخی و برای اولین بار قراردادهای ۵۰-۵۰ در ونزوئلا طی سال‌های ۱۹۴۸ - ۱۹۴۳ میلادی (۱۳۲۷ - ۱۳۲۲ ش) به کار گرفته شد. در این قراردادها سهم میزبان معادل مجموع حق الامتیاز و نصف سود حاصل از فروش یک بشکه نفت خام بوده است. سود نیز معادل تفاوت قیمت اعلان شده و هزینه هر واحد تولید در نظر گرفته می‌شده است:

«در اجرای اصل ۵۰-۵۰ محاسبه حق الامتیاز و سهم کشور میزبان به قیمت اعلان شده نفت خام بستگی داشت. قیمت اعلان شده یک قیمت موهومی بود و آن را قیمت مرجع - مالیاتی نیز می‌نامیدند که با قیمت‌های واقعی نفت در بازار جهانی ارتباطی نداشت. چون قیمت اعلان شده در محاسبات همیشه ثابت در نظر گرفته می‌شد از این رو شبیه سیستم پرداخت ثابت بر مبنای هر تن نفت خام تولیدی در گذشته قلمداد می‌شد. زیرا کشورهای میزبان بدون توجه به قیمت نفت در بازار سهم ثابتی از هر بشکه نفت خود را دریافت می‌کردند.»^{۸۱}

شرکت‌های نفتی تمایل داشتند تا تولید خود را به خاورمیانه که اصل ۵۰-۵۰ در آن رعایت نمی‌شد، منتقل کنند. در مقابل مقامات ونزوئلا هم با اعزام نمایندگانی به کشورهای خاورمیانه مزایای این روش را برای حکام منطقه توضیح دادند. به هر تقدیر به نظر می‌رسد که قراردادهای ۵۰-۵۰ زمینه بروز قراردادهای ۷۵٪ - ۲۵٪ را به وجود آوردند. در قرارداد آجیپ مینراریا طرفین یعنی شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیپ به طور مشترک با سرمایه مساوی، شرکتی ایرانی بنام

۸۰. محمد رضا پهلوی شاه ایران در روز ۲۸ مرداد ۱۳۴۰ چنین گفت: «برای اولین بار در تمام دنیا قرارداد بی‌سابقه‌ای را که معروف به قرارداد ۷۵-۲۵ است با ایتالیایی‌ها و آمریکایی‌ها (منظور قرارداد با شرکت نفت پان آمریکا است که شرح آن خواهد آمد) در نفت خود منعقد کردیم یعنی ترتیبی دادیم که از عوائد نفت سه چهارم مال ما و یک چهارم مال آنها باشد. این موفقیتی بود که ابتکار جهانی آن با ما بود و بعداً سایرین تا آنجا که توانستند در صدد پیروی از آن برآمدند.» (شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، ص ۷۱).

۸۱. مجید احمدیان، اقتصاد نظری و کاربردی نفت (تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸)، ص ۴۸۴.

شرکت سهامی نفت ایران و ایتالیا (سیرپ)^{۸۲} را تشکیل دادند. شرکت سیرپ در زمان عقد قرارداد موظف بود ۵۰ درصد منافع خود را به عنوان مالیات به دولت بپردازد. این نرخ در اواخر سال ۱۹۷۲ به ۵۵ درصد افزایش داده شد. حوزه قرارداد آجیب مینراریا در سه ناحیه بود. یکی در فلات قاره خلیج فارس، در دامنه شرقی کوه‌های زاگرس مرکزی و دیگر در منطقه ساحلی دریای عمان که مساحتی تقریبی بالغ بر ۲۲۹۰۰ کیلومتر مربع در اختیار شرکت مزبور گذاشته شد تا به نفع طرفین عملیات اکتشاف و تولید و فروش نفت در نواحی مذکور را به سرانجام برساند. مدت قرارداد ۲۵ سال از تاریخ شروع بهره‌برداری بود. ریسک قرارداد به شرکت آجیب منتقل و بازپرداخت هزینه‌ها منوط به موفقیت در تولید بود و نواحی واگذار شده نیز به تدریج مسترد می‌شد. اعضای هیأت مدیره سیرپ، نصف به نصف، و رئیس هیأت مدیره، ایرانی بود. در این قرارداد نیز معافیت‌هایی برای طرف قرارداد و یا شرکت سیرپ در نظر گرفته شده بود.^{۸۳} در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ دو قانون قرارداد الحاقی به قرارداد آجیب، مورد تصویب مجلسین قرار گرفت. حاصل مشارکت سیرپ منجر به کشف میادین نورو و بهرگانسر شد. به طور خلاصه قرارداد آجیب را می‌توان نقطه عطفی در انعقاد قراردادهای نوین به شمار آورد و این نشان می‌دهد که از ابتدا مخالفت و نگرانی اعضای کنسرسیوم نیز بدون دلیل نبوده است.

قرارداد مشارکتی بعد قرارداد با شرکت نفت پان آمریکن بوده است. در اجرای قانون نفت ۱۳۳۶ دومین قرارداد در اردیبهشت ۱۳۳۷ برابر با آوریل ۱۹۵۸ با شرکت پان آمریکن پترولیم کورپوریشن^{۸۴} به امضا رسید. این قرارداد در تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۳۷ به تصویب مجلس رسید. طبق قانون نفت ۱۳۳۶ دو نوع مشارکت با خارجی‌ان امکان‌پذیر بود: تشکیل شرکت مشترک و مشارکت مدنی ثبت نشده (دستگاه مختلط). برخلاف قرارداد آجیب ایتالیا که شرکت مشترک سیرپ تشکیل شد، در قرارداد شرکت ملی نفت ایران با شرکت نفت پان آمریکن، نوع دوم مشارکت یعنی دستگاه مختلطی که شخصیت حقوقی مستقل نداشت ایجاد شد. شرکت آمریکایی راهکار دوم را انتخاب کرد، چرا که می‌توانست مستقیماً مالک سهم خود از نفت تولید شده شود و از امتیازات مقررات مالیاتی آمریکا استفاده کند.^{۸۵} در این قرارداد شرکت سهامی غیرانتفاعی به نام شرکت ایران پان آمریکن^{۸۶} که به طور اختصاری «ایپاک» یا «آی‌پک» نامیده می‌شد، تشکیل

82. Societe-Irano-Italienne des Petroles (SIRIP)

۸۳. شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، ص ۸۸ - ۷۱.

84. Pan American Petroleum Corporation

۸۵. محبی، ص ۱۶۲.

86. Iran Pan American Oil Company (IPAC)

و به ثبت رسید. این شرکت اصولاً غیرانتفاعی و به عنوان عامل طرفین تلقی می‌شده و سرمایه و مدیریت آن به طور مساوی با طرفین بوده است. در مورد قرارداد اکتشافی که طبق قرارداد بر عهده طرف دوم گذاشته شده بود، ایپاک به عنوان عامل طرف دوم فعالیت می‌کرد. دو ناحیه در خلیج فارس به مساحت تقریبی ۱۶,۰۰۰ کیلومتر مربع در اختیار دستگاه مختلط گذارده شد که این نواحی به تدریج طبق قرارداد مسترد می‌شد. نفت تولیدی در سرچاه نیز بالتساوی از آن طرفین بوده است.^{۸۷} حاصل کار مشارکت ایپاک کشف میادینی در فلات قاره بود. این میادین داریوش (دورود)، سیروس (سروش)، فریدون (فروزان) و اردشیر (ابوذر) بودند که هنوز هم فعال هستند.

قرارداد مشارکتی بعدی قرارداد با سافایر پترولیوم بود. این قرارداد با شرکت سافایر پترولیومز لیمیتد که به موجب قوانین کانادا تشکیل یافته بود، منعقد و در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۳۷ به تصویب رسید. موضوع قرارداد در ارتباط با اجرای عملیات نفتی در دو قسمت از فلات قاره خلیج فارس به مساحتی که بالغ بر ۱۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شد، مربوط بود. البته اصول کلی قرارداد مزبور عیناً با قرارداد پان آمریکن انطباق داشت. این قرارداد بدین دلیل که شرکت سافایر هیچ‌گونه عملی برای شروع اجرای آن انجام نداد هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسید و پس از یک سری دعوای حقوقی به قرارداد خاتمه داده شد.^{۸۸}

قراردادهای شش‌گانه اول (قراردادهای مشارکتی)

پس از تصویب قانون نفت در سال ۱۳۳۶ و تقریباً همزمان با آن^{۸۹} دو قرارداد مشارکتی با آجیپ میناریا ایتالیایی و شرکت نفت پان آمریکن منعقد شد. در نتیجه این دو قرارداد شرکت‌های مختلط ایران و ایتالیا (سیرپ) و ایران پان آمریکن (ایپاک) به وجود آمدند. در ادامه این روند، قراردادهای مشارکتی دیگری نیز به امضا رسید که می‌توان آنها را قراردادهای شش‌گانه اول (مشارکتی) نامید. وجه تسمیه آن بدین علت است که در سال ۱۳۵۳ قراردادهای شش‌گانه خدمتی (پیمانکاری نفتی) به امضا رسیدند که آنان قراردادهای شش‌گانه دوم (خدمتی) بودند و شرح آن در جای خود خواهد آمد.

طی سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ شرکت ملی نفت ایران نسبت به آزاد نمودن بخش‌هایی از ایران

۸۷. مواد ۲۳ تا ۲۵ قرارداد با شرکت پان آمریکن پترولیوم کورپوریشن. نک: شرکت ملی نفت ایران، ص ۱۰۵-۸۸.

۸۸. روحانی، صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن، ص ۷۹-۷۷.

۸۹. قانون نفت مصوب هفتم مرداد ۱۳۳۶ است. قرارداد با شرکت آجیپ مصوب دوم شهریور ماه ۱۳۳۶ و قرارداد با شرکت پان

آمریکن مصوب هفتم خرداد ماه ۱۳۳۷ است.

برای فعالیت‌های نفتی در خشکی و فلات قاره اقدامی به عمل نیاورد. علت آن اکتشاف نفت در میدان نفتی «حسی مسعود» در صحرای آفریقا و تبلیغات اغراق‌آمیز توسط برخی از مقامات نفتی نسبت به امکانات و ظرفیت تولید نفت در این منطقه بود. وضع مناسب جغرافیایی شمال آفریقا به لحاظ نزدیک بودن آن به بازارهای اروپای غربی و خطرات تلخ شرکت‌های نفتی از وقایع کانال سوئز موجب شد که توجه اغلب شرکت‌های عمده نفتی جهان به شمال آفریقا جلب شود. همچنین کشورهای منطقه آفریقا شرایط سهل‌تری برای عقد قرارداد نیز در نظر گرفته بودند. علاوه بر این شرکت‌های نفتی در راستای متنوع‌سازی مناطق عرضه انرژی مدتی به سمت شمال آفریقا متمایل شدند.^{۹۰} البته پس از مدتی معلوم شد که شمال آفریقا به مانند خاورمیانه دارای ذخایر نفتی نیست و بنابراین شرکت‌های نفتی دوباره تمایل به سمت خاورمیانه پیدا کردند. از طرف دیگر شرکت ملی نفت ایران در اجرای قانون نفت ۱۳۳۶ تمایل داشت تا چند قرارداد مشارکتی را در منطقه خلیج فارس به مورد اجرا درآورد. این شرکت با توجه به شرایط زمانی و میزان عرضه و تقاضای نفت درصدد برآمد با انجام عملیات لرزه‌نگاری دریایی در قسمت‌های باقیمانده از بخش شماره یک در خلیج فارس و واگذاری نتایج حاصله به متقاضیان، ریسک قراردادهای را کاهش داده و میزان پذیره دریافتی را بالا برد. به عبارتی دیگر شرکت ملی نفت ایران قصد داشت تا شرایط مناسب‌تری را از حیث قیمت نفت خام صادراتی و پرداخت مالیات بر درآمد و سایر موارد ارائه و از این طریق منافع کشور را افزایش دهد. به هر تقدیر ماحصل این روند عقد شش قرارداد مشارکتی بود که نام شرکت‌های طرف قرارداد به طور خلاصه طبق جدول شماره دو بوده است:

پنج قرارداد اول در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۴۳ به تصویب رسیدند. قرارداد آخر که شرایط آن نیز برای ایران بهتر بود، در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۴۴ به تصویب رسید (همگی در سال ۱۹۶۵ میلادی به تصویب رسیدند). این قراردادها نیز از نوع ۲۵-۷۵ بودند.^{۹۱} حاصل کار مشارکت آجیپ، فیلیپس

۹۰. شرکت ملی نفت ایران، کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، ص ۱۰۹.

۹۱. شرکت ملی نفت ایران (کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران)، ص ۲۲۸. در این اثر جدول کامل‌تری در ارتباط با جزئیات قراردادهای ۲۵-۷۵ آمده است. نقشه تقسیمات نفتی و نواحی قراردادهای هم در صفحه ۲۴۴ همین گزارش آمده است.

جدول ۲. قراردادهای شش گانه مشارکتی (۷۵-۲۵)

تاریخ تصویب قرارداد در مجلس	اسامی شرکت‌های تشکیل دهنده طرف دوم قرارداد	نام اختصاصی فارسی و لاتین	نام لاتین شرکت مختلط	نام فارسی شرکت مختلط	گروه
۱۳۴۳/۱۱/۲۴	Bataafese Petroleum maatschappij N.V. (shell)	دوپکو (DOPCO)	Dashrestan offshore petroleum co.	شرکت نفت فلات قاره دشتستان	شل
۱۳۴۳/۱۱/۲۴	Tidewater oil company Skelly oil company Sunray DX oil company The Superior oil company Kerr-McGee oil Industries Inc Cities service company Richfield oil corp(7)	ایروپکو (IROPCO)	Iranian offshore Petroleum company	شرکت نفت فلات قاره ایران	تايد واتر
۱۳۴۳/۱۱/۲۴	Agip S.P.A. Phillips petroleum co. oil and natural Gas commission (India) (3)	ایمینوکو (MINOCO)	Iranian marine International oil company	شرکت نفت بین‌المللی دریایی ایران	گروه آجیب، فیلیپس و نفت و گاز هندوستان
۱۳۴۳/۱۱/۲۴	The Atlantic Ref co. Murphy oil corp. Sun oil company Union oil company;(4)	لاپکو (LAPCO)	Lavan Petroleum company	شرکت نفت لاوان	گروه آنالینیک
۱۳۴۳/۱۱/۲۴	Bureau De Recherches De Petrole. Regie Autonome Des Petroles.Societe National Des Petroles D'Aquitaine(3)	اف.بی.سی (F.P.C.)	Farsi Petroleum company	شرکت نفت فارسی	گروه فرانسوی
۱۳۴۴/۴/۲۱	1-Deutsche Erdol-Aktiengesellschaft 2-Deutsche Schachtbau Und Tiefbohrgesellschaft 3-Gelsenkirchener Bergwerks A.G. 4-Gewerkschaft Elwerath 5-Preussag A.G. 6-Scholven-chemic A.G. 7-Wintershall A.G.	پگوپکو (PEGOPCO)	Persian Gulf Petroleum co.	شرکت نفت خلیج فارس	گروه شرکت‌های آلمانی

و نفت و گاز هندوستان که با عاملیت شرکت ایمنوکو و با مدیریت آجیب به عملیات می‌پرداختند، تولید از دو میدان رستم (رسالت، اکتشاف ۱۹۶۶ و تولید ۱۹۶۹) و رخس (رشادت، اکتشاف ۱۹۶۸ و تولید ۱۹۷۱) به میزان ۱۰۰ هزار بشکه در روز بود. مشارکت لاپکو هم در سال ۱۹۶۹ میدان مشترک با امارات یعنی ساسان (سلمان) را کشف کردند که تولید این میدان به ۲۰۰ هزار بشکه در روز بالغ می‌شد.^{۹۲} بزرگترین سکوی دریایی ایران نیز در این منطقه قرار دارد. دیگر میدان کشف شده توسط لاپکو، بلال بود که هنوز هم این میادین فعال هستند.

پیدایش و تحول قراردادهای خدمتی: قراردادهای خدمتی سه‌گانه

قراردادهای خدمتی یا خدماتی نوع سوم از قراردادهای نفتی است که در آن شرکت طرف قرارداد به عنوان پیمانکار در نظر گرفته می‌شود. در صنعت نفت ایران قراردادهای خدمتی در پاسخ به نیازهای زمان و در جهت تکمیل روند تحول قراردادهای موجود آمدند. اواسط دهه ۱۳۴۰ را می‌توان سالیانی دانست که زمینه‌های حضور و بروز قراردادهای خدمتی در صنعت نفت ایران به‌وجود آمد.

ظهور قراردادهای خدماتی از دیگر نوآوری‌های ایران در زمینه تحولات قراردادی در صنعت نفت بوده است. در مرداد ماه ۱۳۴۵ نخستین قرارداد خدماتی بین شرکت ملی نفت ایران و یک سازمان دولتی فرانسه به نام موسسه تفحصات و فعالیت‌های نفتی و یا به طور مختصر «اراپ»^{۹۳} امضا و در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۴۵ تحت نام «قانون اجازه مبادله و اجراء قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید نفت با اِراپ» به تصویب مجلس رسید. این قرارداد نه با قراردادهای ۵۰-۵۰ منطبق بود و نه با قراردادهای ۷۵-۲۵. بنابراین نوع جدیدی از ترتیبات قراردادی در صنعت نفت بروز یافت که در این ارتباط هم بار دیگر ایران کشوری پیشرو بوده است. از طرف اِراپ شرکتی غیرانتفاعی تحت نام شرکت فرانسوی ایران یا «سوفیران»^{۹۴} تشکیل شد که به موجب قرارداد وظایف معینی بر عهده شرکت سوفیران که پیمانکار کل نامیده می‌شد، گذاشته شد و انجام وظایف را موسسه اِراپ تضمین می‌کرد. منطقه عملیات عبارت بود از قسمتی از فلات قاره خلیج فارس و همچنین قسمتی مرکب از سه قطعه واقع در خشکی. در نهایت اینکه مشارکت اِراپ منجر به کشف میادین

۹۲. کاشانی، ص ۱۱۲ - ۹۳.

93. Entreprise de Recherche et d'Activite Petroliere (ERAP)

94. SOFIRAN

سیری و هنگام شد.^{۹۵}

در اسفند ماه ۱۳۴۷ دومین قرارداد پیمانکاری بین شرکت ملی نفت ایران و پنج شرکت دولتی اروپایی به امضا رسید که به کنسرسیوم اروپایی معروف شدند. این قرارداد تحت نام «قانون قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اروپایی» در تاریخ ۳۱ خردادماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس رسید.^{۹۶} موسسه اراپ ۳۲ درصد، شرکت آجیب ۲۸ درصد، شرکت نفت اسپانیولی هیسپانویل^{۹۷} ۲۰ درصد، شرکت نفت بلژیکی پتروفینا^{۹۸} ۱۵ درصد و شرکت اتریشی (Oe M. V) ۵ درصد مشارکت داشتند. مجموع این شرکت‌ها آگوکو^{۹۹} به معنای گروه شرکت‌های اروپایی نامگذاری شد. در این قرارداد انتقال سهام به شرط موافقت شرکت ملی نفت ایران باید به نحوی می‌بود که همواره اراپ بیشترین درصد مشارکت را داشته باشد. ناحیه قرارداد واقع در حوزه خلیج فارس و مساحت آن بالغ بر ۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع بود. «حاصل این مشارکت در هشت سال، کشف چهار میدان گازی در حوزه کنگان (۱۹۷۴) با حجم ۱۵۰۰ میلیارد متر مکعب بود. پیمانکار این قرارداد نیز شرکت سوفیران بود.»^{۱۰۰}

سومین قرارداد پیمانکاری در فروردین ماه ۱۳۴۸ بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت امریکایی کنتینانتال به امضا رسید. این قرارداد تحت نام «قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شرکت کنتینانتال» در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۴۸ به تصویب رسید. در قرارداد با شرکت‌های اروپایی پرداخت پذیره پیش‌بینی نشده بود اما در این قرارداد ده میلیون دلار پذیره در نظر گرفته شد که نصف آن ظرف چهار سال و مابقی پس از کشف نفت بایستی پرداخت شود. بعداً دو شرکت دیگر به طرف دوم قرارداد ملحق شدند. کنتینانتال ۲۵ درصد، فیلیپس ۵۰ درصد و سیتیز سرویس ۲۵ درصد سهام داشتند. ناحیه واگذار شده در حدود چهارده هزار کیلومتر مربع از نواحی استرداد کنسرسیوم در شمال بندرعباس بود. شرکت نفت کنتینانتال پیمانکار عامل قرارداد بود.^{۱۰۱}

در قراردادهای سه‌گانه، شرکت‌های نفتی به صورت پیمانکار در نظر گرفته شدند. اهمیت این

۹۵. توجه کنید که پیمانکار اصلی قراردادهای خدمتی بیع متقابل کنونی نیز پیمانکار کل نامیده می‌شوند. همچنین شرکت فرانسوی توتال در دهه هفتاد شمسی توسعه میداین سیری A و E و همچنین توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی (به عنوان اپراتور اصلی) را در قالب قرارداد بیع متقابل برعهده گرفت.

۹۶. روحانی، صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن، ص ۲۷۶ - ۲۶۷.

97. HISPANOIL

98. PETROFINA

99. European Group Oil Companies(EGOCO)

۱۰۰. کاشانی، ص ۱۰۳.

۱۰۱. روحانی، صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن، ص ۲۷۶ - ۲۶۷.

قراردادها را می‌توان از این جهت دانست که مبنایی برای قانون نفت ۱۳۵۳ و قراردادهای بیع متقابل امروزی به‌وجود آوردند. در حقیقت قرارداد اِراپ شروعی برای انعقاد قراردادهای نفتی از نوع خدمت به‌شمار می‌آید.

قراردادهای سه‌گانه (مشارکتی)

از آنجا که در این مقاله بنای ارائه مطالب بر توالی زمانی است لذا در اینجا برخی مطالب راجع به قراردادهای مشارکتی عنوان می‌شود. در تاریخ ششم دی ماه ۱۳۵۰ سه قرارداد به تصویب مجلس رسید. این سه قرارداد مشارکتی براساس فرمول ۵۰-۵۰ بود. از آنجا که در سال ۱۳۴۶ قسمتی از حوزه کنسرسیوم به شرکت ملی نفت ایران مسترد شده بود لذا در تیرماه ۱۳۴۹، برخی از نواحی استردادی در منطقه لرستان و همچنین قسمت‌هایی از فلات قاره خلیج فارس آزاد اعلام شد. سپس مزایده‌ای برای این مناطق برگزار گردید که نتیجه انعقاد سه قرارداد مشارکتی بود.^{۱۰۲} طرف‌های دوم این قراردادهای سه‌گانه نیز به شرح زیر بودند: گروهی مرکب از چهار شرکت ژاپنی^{۱۰۳} که شرکت موبیل به آنها ملحق شد. شرکت مختلط آنها اینپکو^{۱۰۴} و ناحیه عملیات آنان در لرستان به مساحت ۸۰۰۰ کیلومتر مربع بوده است. شرکت آمراداهس^{۱۰۵} که ناحیه عملیات آن به مساحت ۳۷۱۵ کیلومتر مربع در خلیج فارس در مجاورت بوشهر بود. بنابراین شرکت مختلط آن شرکت نفت بوشهر (بوشکو)^{۱۰۶} نام داشت که پس از مدتی هم منحل شد. شرکت موبیل اوایل^{۱۰۷} در ناحیه‌ای به مساحت ۳۲۰۰ کیلومتر مربع در تنگه هرمز قرار داشت. بنابراین شرکت مختلط آن، شرکت نفت هرمز (هوپکو)^{۱۰۸} نام داشت. در این قراردادهای مشارکتی دوره اکتشافی حداکثر شش سال در نظر گرفته شده بود. همچنین مدت قراردادهای فوق‌الذکر بیست سال از آغاز تولید تجاری بوده که برای دو دوره پنج ساله نیز به شرط توافق طرفین قابلیت تمدید داشته است. لیکن هر تمدید مستلزم تجدید نظر کامل در قرارداد مربوطه خواهد بود. بدین معنی که در هر دوره تمدیدی، شرایط قرارداد حاکم بایستی شامل بهترین و مساعدترین شرایط روز قراردادهای ایران

۱۰۲. همان، ص ۲۱۳ - ۲۰۵.

103. Teijin, Mitsui, North Sumatra Oil Development Corporation, Mitsubishi Shoji Kaisha

104. INPECO

105. Amerada Hess Corporation

106. BUSHCO

107. Mobil Oil Corporation

108. HOPECO

در آن تاریخ باشد.^{۱۰۹}

تعهدات طرف دوم قرارداد قبل از کشف میدان تجاری نیز عبارت بوده است از: پرداخت پذیره نقدی، پرداخت کلیه هزینه‌های اکتشاف در دوره شش ساله اکتشافی، پذیرش ریسک عملیات اکتشافی. همچنین طبق قرارداد هرگاه پس از شش سال دوره اکتشافی، بهره‌برداری تجاری شروع نشود قرارداد بخودی خود کان لم یکن تلقی و شرکت مختلط منحل خواهد شد و ایران و شرکت ملی نفت ایران ملزم به پرداخت هیچگونه هزینه‌ای از این بابت نخواهند بود. در ادامه پس از کشف اولین میدان نفتی تجاری، تهیه و اجرای برنامه عملیات و بودجه‌های مربوطه اکتشافی با تصویب شرکت ملی نفت ایران بایستی انجام گیرد.

همچنین تعهدات طرف‌های دوم قرارداد پس از کشف میدان تجاری عبارت بودند از: پرداخت سهم خود و تأمین سهم شرکت ملی نفت ایران برای ایجاد وسایل و تأسیسات بهره‌برداری و بارگیری و صدور نفت خام تا تاریخ شروع بهره‌برداری تجاری و استهلاک سهم شرکت ملی نفت با اقساط ده ساله پس از شروع بهره‌برداری تجاری و با احتساب سود عادلانه و مناسب (حداکثر سود ۷٪)، پرداخت پذیره کشف میدان تجاری و پرداخت پذیره بهره‌برداری (چنانچه میزان تولید جمعی نفت از حوزه عملیات به ۱۰۰ میلیون بشکه برسد)، پرداخت حق الارض بهره‌برداری به طرف اول از تاریخ شروع بهره‌برداری تجاری، برداشت الزامی نفت خام سهم شرکت ملی نفت ایران به قیمت نیمه راه (در صورت تقاضای شرکت ملی نفت ایران).^{۱۱۰}

تعهدات مالی طرف‌های دوم قرارداد در قراردادهای مشارکتی فوق‌الذکر نیز عبارت بوده است از: پرداخت مالیات دولت ایران از منافع حاصله براساس قیمت اعلان شده نفت خام مربوط بوده و هیچگونه تخفیفی از آن بابت بدان تعلق نمی‌گیرد، پرداخت مالیات بر درآمد طبق مقررات قوانین جاریه ایران (قوانین مالیاتی روز) مشروط بر اینکه شرایط مالیاتی از آنچه در مورد شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد کل نفت خام ایران را اداره می‌کند نامساعدتر نباشد، پرداخت مشخصی بمیزان ۱۲/۵ تا ۱۶ درصد قیمت اعلان شده نفت خام صادراتی سهم طرف دوم قرارداد قابل پرداخت به شرکت ملی نفت ایران، پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی اجناس مورد مصرف کارکنان، پرداخت مالیات حقوق کارکنان و مالیات‌های مقطعه کاری، پرداخت عوارض و حقوق در مقابل خدمات درخواست

۱۰۹. شرکت ملی نفت ایران، «نکات برجسته قراردادهای جدید نفتی مربوط به مصاحبه مورخه ۱۵ مرداد ۱۳۵۰ جناب آقای دکتر

اقبال»، گزارش یا سند شماره ۲۲۴۸ کتابخانه مرکزی شرکت ملی نفت ایران (۱۳۵۰)، ص ۷-۱.

۱۱۰. همان، ص ۷.

شده یا خدمات عمومی و عوارض بندری، مالیات و حقوق خالی از تبعیض از قبیل حق الثبت و تمبر اسناد و غیره. برای ضمانت اجرائی قراردادهای گروه ژاپنی، شرکت آمراداهس و شرکت موبیل به ترتیب موظف به خرج ۱۳، ۱۳ و ۸ میلیون دلار در سه سال اول قراردادهای بوده‌اند. همچنین ذکر شده بود که تضمین نامه‌های بانکی به مبلغ فوق به شرکت ملی نفت ایران تسلیم شود که میزان آن هر ساله به مبلغ هزینه‌های اکتشافی آن سال تقلیل یابد. همچنین هرگاه در پایان سه سال اول دوره اکتشاف کلیه مبالغ تعهد شده برای اکتشاف خرج نشود در مورد یک شرکت ۱۰۰٪ و در مورد دو شرکت و گروه دیگر نصف مازاد به شرکت ملی نفت ایران قابل پرداخت خواهد بود.^{۱۱۱}

این قراردادهای سه‌گانه مشارکتی چند مزیت جالب دیگر نیز داشتند از جمله: تأمین نفت خام مورد نیاز مصرف داخلی نسبت به صادرات نفت خام حق تقدم خواهد داشت، در مورد گاز تولیدی توأم با نفت، چنانچه طرف دوم قرارداد ظرف شش ماه تمایل و برنامه به برداشت سهم گاز خود را به شرکت ملی نفت ایران اعلام نکند، حقی نسبت به گازهای حاصله نخواهد داشت و کلیه گاز تولیدی در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار خواهد گرفت. همچنین در صورت بروز اختلاف در اجرای مواد قرارداد حق تعیین داور ثالث به رئیس دیوان عالی کشور ایران و در مورد یکی از قراردادهای به مدیر عامل بانک مرکزی ایران تفویض شده بود. در قراردادهای تصریح شده که قانون حاکم متون بر قراردادهای قانون ایران بوده و تفسیر و تعبیر مقررات آن طبق قوانین جاریه کشور صورت می‌گیرد. در قراردادهای سه‌گانه مذکور متن فارسی و انگلیسی قراردادهای دارای اعتبار مساوی بوده است. همچنین در شرایط مساوی در مورد حمل و نقل نفت خام، طرف دوم جهت حمل نفت خام سهم خود برای نفتکش‌های ایرانی بایستی حق تقدم قائل شود. ترتیباتی نیز جهت ایجاد تأسیسات پتروشیمی با طرف دوم یکی از قراردادهای و همچنین ایجاد پالایشگاه در ایران با مشارکت شرکت ملی نفت ایران تحت شرایطی پیش‌بینی شده بود.^{۱۱۲}

قرارداد جدید کنسرسیوم

پس از تشکیل اوپک در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ش) و همچنین تحولات بین‌المللی آن روزگار،

۱۱۱. همان، ص ۱۰ - ۸.

۱۱۲. دکتر اقبال رئیس وقت هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران در مصاحبه‌ای ویژگی‌های قراردادهای نفتی فوق را بازگو کرده است. گزارش «نکات برجسته قراردادهای جدید نفتی مربوط به مصاحبه مورخه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۵۰ جناب آقای دکتر اقبال» به گونه‌ای مناسب ویژگی‌های این قراردادهای را دسته‌بندی می‌کند که اهم مفاد این گزارش در فوق آمد. نک: شرکت ملی نفت ایران، همان، ص ۱۰ - ۸.

رفته رفته قدرت کشورهای تولیدکننده نفت افزایش یافت. ایران نیز به تبع این تحولات از قرارداد کنسرسیون ۱۳۳۳ اظهار نارضایتی کرد و به شرکتهای نفتی اولتیماتوم داد و آنها را به انتخاب دو راهکار ادامه قرارداد تنها تا پایان دوره بیست و پنج ساله یعنی سال ۱۳۵۷ یا انعقاد قرارداد جدید مخیر کرد. شرکتهای نفتی تصمیم به انعقاد قرارداد جدید گرفتند و هیأتی را برای مذاکره به سن موریتس^{۱۱۳} سوئیس فرستادند. بدین ترتیب قرارداد کنسرسیون بعد از ۱۹ سال در ۱۳۵۲ ملغی و در قرارداد جدید شرکتهای نفتی به صورت پیمانکار درآمدند.^{۱۱۴} قانون قرارداد جدید در سال ۱۹۷۳ و در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۵۲ تحت عنوان «قرارداد الغاء نفت با کنسرسیون مصوب سال ۱۳۳۳ و اجازه اجرای قرارداد فروش و خرید نفت بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکتهای خارجی»^{۱۱۵} به تصویب مجلسین رسید.^{۱۱۶} رؤس کلی قرارداد مزبور را می توان چنین بیان داشت:

مطابق قرارداد جدید کنسرسیون ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ م) بایستی قرداد ۱۳۳۳ (۱۹۵۴) لغو و ناحیه قرارداد کنسرسیون به شرکت ملی نفت ایران مسترد گردد که از این میزان هفتاد درصد از ناحیه مسترد شده تحت قرارداد جدید قرار می گیرد که اجرای عملیات در آن ناحیه رأساً بر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار می گرفت. نفت استحصالی در درجه اول برای مصارف داخلی و در درجه دوم برای صادرات مستقیم و بقیه به اعضای کنسرسیون فروخته می شد. اعضای کنسرسیون ترتیب تأسیس شرکت خدماتی را در ایران به صورت یک شرکت سهامی خاص غیرانتفاعی خواهند داد تا عملیات محوله از طرف شرکت ملی نفت ایران را به موجب پیمان خدماتی که قرار است با شرکت ملی نفت ایران منعقد شود انجام دهد. مدت اولیه پیمان خدماتی پنج سال بود و از آن پس نیز تا زمانی که یکی از طرفین برای پایان دادن به آن اخطار کتبی و قبلی دو ساله بدهد معتبر می ماند.

۱۱۳. سن موریتس (St. Morits) محل گذراندن تعطیلات زمستانی شاه بود. چنین شد که قرارداد جدید به قرارداد سن موریتس معروف شد.

۱۱۴. موسوی، ص ۱۵۴ - ۱۵۳.

۱۱۵. نک: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و معاونت پژوهشی، نرم افزار لوح حق.

۱۱۶. قانون قرارداد مزبور دیباچه ای این چنین دارد: «نظر به اینکه دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران علاقه دارند که ذخایر هیدروکربور کشور را به بهترین وجه مورد گسترش و بهره برداری قرار دهند و بدین وسیله منافع و رفاه ملت ایران را که از آن حاصل می شود به حداکثر افزایش دهند. نظر به اینکه ایران در اجرای هدف بالا تصمیم گرفته است که حق تمام و کامل مالکیت و تصدی و کنترل کلیه ذخایر هیدروکربور و دارایی ها و اداره صنعت نفت به شرکت ملی نفت ایران اعمال شود. ... نظر به اینکه طرفین این قرارداد توافق دارند که رابطه کلی ایران و شرکت ملی نفت ایران با شرکتهای نفتی ... به منظور تحقق کامل هدفهای مشروح بالا و به ترتیب مقرر در این قرارداد مورد تجدید نظر و تعدیل قرار گیرد.» در ماده یک نیز چنین آمده: «پالایشگاه آبادان» یا «پالایشگاه» به معنی املاک زیر است که در ایران واقع شده و مالکیت آنها متعلق به شرکت ملی نفت ایران می باشد ... « برای دیدن متن قانون قرارداد مزبور به نرم افزار لوح حق مراجعه فرمایید.

شرکت خدماتی مذکور آسکو^{۱۱۷} نامیده شد. شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت ایران و شرکت سهامی پالایش نفت ایران منحل گردیدند. پالایشگاه آبادان تحت اداره بی‌واسطه شرکت ملی نفت ایران نیز قرار گرفت. همچنین در قرارداد جدید بهای نفت فروخته شده به شرکت‌های عضو کنسرسیوم، مجموع اجزاء هزینه تمام شده تولید نفت و پرداخت مشخص به میزان ۱۲٫۵ درصد بهای اعلان شده و رقم تعدیلی و بهره بوده است. رقم تعدیلی بر مبنای قرارداد محاسبه می‌شده است.

ماحصل کلام اینکه منافع ایران از قبل قرارداد جدید کنسرسیوم نباید از منافی که از طریق فرمول مشارکت عاید کشورهای خلیج فارس می‌شد، کمتر باشد. تفاوت بین آنچه که به عنوان بهای نفت به شرکت ملی نفت ایران پرداخت می‌شد تا میزان قیمت اعلان شده، سود شرکت‌های عضو کنسرسیوم به حساب می‌آمده که ۵۵ درصد آن بایستی به عنوان مالیات پرداخت می‌گردید. اعضای کنسرسیوم در پنج سال اول ۴۰ درصد بودجه سرمایه‌ای را فراهم آوردند که ۶۰ درصد باقی مانده بر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار می‌گرفت. طرح‌ریزی و اجرای بودجه‌های عملیاتی نیز بر عهده شرکت ملی نفت ایران بوده و شرکت مذکور پیشنهادات اعضای کنسرسیوم را مورد توجه قرار می‌داده است. همچنین مقرر شده بود مقادیر صادرات مستقیم شرکت ملی نفت ایران از ۲۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۷۳ شروع شده و به ۱٫۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۱ برسد. تصمیماتی نیز راجع به گاز مایع طبیعی و صادرات گاز نیز گرفته شد.^{۱۱۸}

لازم به ذکر است که قرارداد اول کنسرسیوم، در ششم آبان ماه ۱۳۳۳ قبل از قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۲۵ دی‌ماه ۱۳۳۳ و همچنین قبل از قانون نفت مصوب هفتم مردادماه ۱۳۳۶ به تصویب رسید. قرارداد کنسرسیوم جدید هم در هشتم مرداد ماه ۱۳۵۲ درست یک سال پیش از تصویب قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ و قبل از قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۲۰ مردادماه ۱۳۵۳ به تصویب رسید. اینکه در دو برهه از تاریخ چرا پیش از تصویب قانون نفت و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، دو قرارداد کنسرسیوم مصوب و عملیاتی شدند، خود جای سوال دارد. شاید بتوان چنین عنوان کرد که وجود قانون و اساسنامه مدون و ارتقاء یافته، دست کنسرسیوم برای اخذ منافع بیشتر را می‌بست. همچنین قانون نفت ۱۳۵۳ شرایط دشوارتری را برای شرکت‌های نفتی وضع می‌کرد و شرکت‌های عضو کنسرسیوم به‌احتمال با آینده‌نگری و توجه به اصل حقوقی عدم عطف به ماسبق شدن قوانین، پیش از تصویب قانون

117. Oil Service Company(OSCO)

۱۱۸. برای توضیحات بیشتر در زمینه قرارداد جدید کنسرسیوم ۱۳۵۲ نک: روحانی، صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن،

ص ۴۱۹-۳۷۳؛ و فرشاد گهر، ص ۲۱۹-۲۱۱.

نفت و اساسنامهٔ مربوطه، دو قرارداد را مصوب کردند.

قراردادهای شش‌گانهٔ دوم (قراردادهای خدمتی)

قانون نفت ۱۳۵۳ شمسی که قانون جامعی بود در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۵۳ به تصویب مجلس رسید. طبق این قانون تنها الگوی مجاز برای عملیات بالادستی قرارداد پیمانکاری (خدمات) است. طبق بند سوم مادهٔ ۸ این قانون طرف قرارداد یک شرکت فرعی با تابعیت ایرانی تشکیل داده و شرکت ایرانی مزبور به عنوان «پیمانکار کل» شرکت ملی نفت ایران اجرای عملیات اکتشاف و توسعه را به صورت غیرانتفاعی و به موجب قرارداد برعهده خواهد داشت، لیکن این امر ذمه انتقال دهنده یا انتقال‌دهندگان را در برابر شرکت ملی نفت ایران از بابت مسئولیت‌ها و تعهدات مندرج در قرارداد بری نخواهد کرد.^{۱۱۹} بنابراین طبق این قانون شرکت عامل به پیمانکار تبدیل شد. این قانون اجازهٔ مشارکت را صرفاً در بخش پایین‌دستی می‌داد. همچنین در بند اول ماده سوم قانون ۱۳۵۳ حقوق مالکیت منابع هیدروکربوری به گونه‌ای مناسب چنین تبیین شده:

«منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی است و اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً یا به وسیله نمایندگی‌ها و پیمانکاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد.»^{۱۲۰}

همچنین در بند دوم مادهٔ سه چنین آمده: «شرکت ملی نفت ایران می‌تواند به منظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت در بخش‌های آزاد نفتی با هر شخص اعم از ایرانی و خارجی وارد مذاکره شود و قراردادهایی را که مقتضی بدانند بر مبنای پیمانکاری و با رعایت مقررات و مصراحت این قانون تنظیم و امضا نماید. قراردادهای مزبور بعد از تأیید هیأت وزیران به موقع اجراء گذارده خواهد شد... لذا طبق این قانون تنها الگوی مجاز، الگوی قرارداد خدمتی (پیمانکاری) بوده و از این به بعد نیز تصویب قراردادهای نفتی از مجلس به هیأت وزیران تفویض شده است.» مادهٔ ۱۹ قانون نفت ۱۳۵۳ در ارتباط با مالکیت نفت درون مخزن نیز چنین بیان می‌داشت: «ماده ۱۹ - مالکیت نفت: نفت تولید شده از منابع نفتی ایران در مالکیت شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. شرکت مزبور

۱۱۹. برای آگاهی از متن قانون نفت ۱۳۵۳، نک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و معاونت پژوهشی، نرم‌افزار لوح

حق، (۱۳۸۸)

۱۲۰. همان.

نمی‌تواند هیچ قسمت از نفت را مادام که استخراج نشده‌است به غیر انتقال دهد.^{۱۲۱} به هر تقدیر رخداد تحولات آن زمان و تلاش‌ها برای تصویب قانون نفت ۱۳۵۳، شرکت ملی نفت ایران را بر آن داشت تا انعقاد قراردادهای خدماتی را در دستور کار قرار دهد. لذا پس از تصویب قانون نفت ۱۳۵۳ قراردادهایی تحت عنوان قراردادهای شش‌گانه خدماتی در دستور کار قرار گرفت و به امضا رسیدند.^{۱۲۲} در این شش قرارداد یک طرف قراردادهای شرکت ملی نفت ایران بود. حوزه قراردادهای شش‌گانه نیز مناطق نفت‌خیز جنوب ایران شامل لار غربی، شمالی، مرکزی، جنوب شرقی، شیراز و آبادان بوده است.^{۱۲۳} جدول شماره سه طرف‌های قرارداد و تاریخ امضای قراردادها را نشان می‌دهد:

جدول ۳. (قراردادهای شش‌گانه خدماتی)

کشور شرکت طرف قرارداد	نام طرف قرارداد	تاریخ امضای قرارداد
فرانسه	Compagnie Francaise des Petroles (C.F.P)	۵ مرداد ۱۳۵۳
آلمان	Deutsche Erdoelversorgungsgesellschaft m.b.H.-DEMINEX	۸ مرداد ۱۳۵۳
آلمان	Deutsche Erdoelversorgungsgesellschaft m.b.H.-DEMINEX	۸ مرداد ۱۳۵۳
آمریکا	Ultramar Company Limited	۱۶ مرداد ۱۳۵۳
آمریکا - کانادا	ASHLAND OIL INC. & PANCANADIAN PETROLEUM LIMITED "Ashland Group"	۲۹ مرداد ۱۳۵۳
ایتالیا	AGIP S. P. A.	۳ شهریور ۱۳۵۳

۱۲۱. همان. قانون نفت ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۹۰ لغو نشد، لذا می‌توان آن را مبنای قراردادهای خدماتی بیع متقابل سالیان اخیر کشور نیز به حساب آورد. سرانجام در ۲۲ خردادماه ۱۳۹۰ ماده نهم «قانون اصلاح قانون نفت»، قانون نفت ۱۳۵۳ را لغو کرد.
۱۲۲. در تناظر با قراردادهای شش‌گانه مشارکتی که شرح آن پیش از این آمد، این قراردادها را قراردادهای شش‌گانه خدماتی نامیده‌اند.

۱۲۳. روحانی در صفحات ۴۲۷ - ۴۲۰ کتاب صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن، مطالب راجع به قراردادهای شش‌گانه را به طور مبسوط بیان کرده است. همچنین شرکت ملی نفت ایران در صفحات ۱۶۶ - ۳۶ کتاب سبز، متون قراردادهای شش‌گانه را ارائه نموده است.

می‌توان بیان داشت که قرارداد ۱۳۳۶ آجیب پیش زمینه‌ای برای قانون نفت ۱۳۳۶ بود، بنابراین بر مبنای توافقات، بلافاصله قرارداد آجیب پس از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶ به امضا رسید. در سال ۱۳۵۳ نیز به نوعی این روند تکرار شد. همانطور که مشاهده می‌شود قراردادهای تقریباً همزمان با قانون نفت ۱۳۵۳ و حتی زودتر از تصویب نهایی آن به امضا رسیده‌اند. دلیل آن نیز احتمالاً مذاکرات با شرکت‌های نفتی همزمان با تدوین قانون نفت بوده است.^{۱۲۴} گفتنی است که تا زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هیچ‌یک از این قراردادهای به نتیجه مشخصی منتهی نشدند.

به لحاظ تحول ترتیبات قراردادی، وقایع و قراردادهای دوره بیست‌ساله ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳ از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این دوران، ایران به عنوان یک کشور پیشرو و نوآور، قوانین و الگوهای قراردادی جدیدی را به دنیا عرضه داشت. قبل از پایان این مبحث لازم به ذکر است که پس از ملی شدن تا زمان انقلاب شرکت ملی نفت ایران چهار رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل عوض کرد. سهام‌السلطان بیات (۱۳۳۵ - ۱۳۳۰)، عبدالله انتظام (۱۳۴۲ - ۱۳۳۵)، منوچهر اقبال (۱۳۵۶ - ۱۳۴۲) و هوشنگ انصاری (۱۳۵۷ - ۱۳۵۶) به ترتیب عهده‌دار این مسئولیت بودند. در بین این چهار تن دکتر منوچهر اقبال شهرت بیشتری دارد.^{۱۲۵}

نتیجه‌گیری

در تاریخ ایران الگوی قراردادهای نفتی از قرارداد امتیازی داری شروع شده و با گذر از قرارداد کنسرسیوم در پاسخ به شرایط روزگار، به شرحی که آمد، به قراردادهای مشارکتی و خدمتی رسیده است. عمده تحولات رخ داده در بازه بیست‌ساله ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳ به ثمر رسیده‌اند، لذا وقایع این دوران وزن بالایی را در تحولات مربوطه به خود اختصاص داده است. این روند تحول عمدتاً در پی

۱۲۴. در کتاب سبز شرکت ملی نفت ایران، متن کامل قراردادهای شش‌گانه پیمانکاری نفتی به دو زبان فارسی و انگلیسی توأم با قانون نفت (۱۳۵۳) و اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (۱۳۵۳)، به چاپ رسیده است. این کتاب منبع معتبر و ارزشمندی به‌شمار می‌رود. این کتاب در قیاس با کتاب دیگر شرکت ملی نفت ایران معروف به کتاب سفید، به سبب جلد سبز آن، به کتاب سبز شهره گردیده است. آدرس دقیق این کتاب بدین شرح است: شرکت ملی نفت ایران، کتاب سبز: قانون نفت، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و قراردادهای شش‌گانه پیمانکاری نفتی (متن فارسی و انگلیسی) (انتشارات روابط عمومی صنعت نفت ایران، ۱۳۵۳).

۱۲۵. وزارت اطلاعات، اسنادی راجع به دکتر اقبال را به چاپ رسانده است. نک: وزارت اطلاعات، رجال عصر پهلوی؛ دکتر منوچهر اقبال به روایت اسناد ساواک (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹). قباد فخمی نیز که خاطرات خود را نگاشته، مطالب مفیدی راجع به تحولات سی ساله نفت از ملی شدن تا انقلاب اسلامی ارائه کرده است. در کتاب وی مطالبی نیز راجع به مدیران نفت و رؤسای هیأت مدیره و مدیران عامل ذیربط آورده شده است. همچنین در کتاب مذکور مطالب خواندنی در مورد تحولات اوایل انقلاب آمده است. (قباد فخمی، سی سال نفت ایران از ملی شدن تا انقلاب اسلامی، تهران: کتاب مهراندیش، ۱۳۸۷).

استقلال طلبی، افزایش آگاهی عمومی مردم نسبت به مسأله نفت و ارزش بالای آن رخ داده است. با نگاهی به قراردادهای کنونی خدمتی بیع متقابل می‌توان ریشه تاریخی آنها را در قراردادهای خدمتی (پیمانکاری) پیش از انقلاب جستجو کرد که این اهمیت بررسی تاریخی موضوع را نشان می‌دهد، چرا که قراردادهای خدمتی یا همان پیمانکاری به شرحی که آمد از سال ۱۳۴۵ در صنعت نفت ایران بروز یافتند و از سال ۱۳۵۳ به طور رسمی تنها گونه قراردادی مجاز کشور شدند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که الگوی کنونی قراردادهای بیع متقابل، که گونه‌ای از قراردادهای خدمتی هستند، وابستگی به مسیر تاریخی داشته و با استفاده از گذشته تاریخی موضوع، بهتر می‌توان به تجزیه و تحلیل قراردادهای کنونی پرداخت که البته خود مجالسی دیگر را می‌طلبد. اگرچه در این مقاله قراردادهای نفتی و الگوهای متنوع تاریخی آن ارائه شد اما بایستی توجه داشت که نمی‌توان یک الگوی قراردادی خاص را در هر زمان و مکانی بهینه تلقی کرد. همچنین فراتر از این، آن چیزی که اهمیت دارد مفاد مندرج در یک قرارداد نفتی است تا اسمی که بدان منتسب می‌شود. نتایج بررسی تاریخی مقاله نشان می‌دهد که الگوی قراردادهای نفتی در بستر زمان و در پاسخ به شرایط رفته رفته کامل‌تر شده و ایران وزن زیادی را در این تحول در دنیا ایفا کرده است، امری که لازم است از این به بعد نیز تداوم یابد.

کتابنامه

- احمدیان، مجید. *اقتصاد نظری و کاربردی نفت*. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- امانی، مسعود. *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- امیرمعینی، مهران و سید محمد علی حاجی میرزایی. *رژیم‌های مالی در صنعت نفت: نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران*. تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۳.
- ایرانپور، فرهاد. «مبانی عمومی قراردادهای نفتی». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۷. ش ۳. (۱۳۸۶). ص ۲۸-۱.
- ایرانپور، فرهاد. «انواع قراردادهای نفتی تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۸. ش ۲. (۱۳۸۷). ص ۳۸-۲۵.
- بمبرک، ج. ۲۶ سال با صنعت نفت ایران، به روایت شرکت «بریتیش پترولیوم» (۱۹۵۴-۱۹۲۸). ترجمه علیرضا حمیدی یونسی. بی‌جا: انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۸۰.
- خدادادیان، فرشید. *کاربردهای نفت و گاز در ایران باستان*. تهران: روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۹.

- راسخی لنگرودی، احمد. موج نفت: تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.
- روحانی، فؤاد. تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.
- _____ صنعت نفت ایران: ۲۰ سال پس از ملی شدن. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶.
- شرکت ملی نفت ایران. کتاب سبز: قانون نفت، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و قراردادهای ششگانه پیمانکاری نفتی (متن فارسی و انگلیسی). انتشارات روابط عمومی صنعت نفت ایران، ۱۳۵۳.
- _____ کتاب سفید: تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران. شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴.
- _____ «نکات برجسته قراردادهای جدید نفتی مربوط به مصاحبه مورخه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۵۰ جناب آقای دکتر اقبال»، گزارش یا سند شماره ۲۲۴۸ کتابخانه مرکزی شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۵۰.
- صابر، محمدرضا. بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹.
- علیچانی، م. متن کامل نطق‌های آقایان سناتور لسانی، دیوان بیگی، مهندس شریف امامی و دکتر حسابی در رد «قرارداد» نفت با کنسرسیوم معروف به (امینی-پیچ). بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- فاتح، مصطفی. پنجاه سال نفت ایران. تهران: شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵.
- فخیمی، قباد. سی سال نفت ایران از ملی شدن تا انقلاب اسلامی. کتاب تهران: مهراندیش، ۱۳۸۷.
- فرشاد گهر، ناصر. سیری در قراردادهای نفتی ایران. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.
- فرهمند، علی «معرفی سند: ناگفته‌های امتیاز داری». فصلنامه تاریخ روابط خارجی. شماره ۲۹. زمستان ۱۳۸۵. ص ۱۹۶ - ۱۶۱.
- قاسم‌زاده، محمود. اقتصاد نفت ایران: تجزیه و تحلیل و مقایسه اقتصادی قرارداد فروش نفت و گاز با امتیاز نامه ۱۹۳۳ شرکت سابق نفت انگلیس و ایران. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- قره‌باغیان، مرتضی. فرهنگ اقتصاد و بازرگانی. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶.
- کاشانی، سید صادق. توسعه میادین نفت و گاز: ساختارها و رویکردهای اجرای پروژه، دفتر مطالعات انرژی صنایع و معادن. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- مبصر، داریوش و دیگران. کالبد شکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل). تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۹.
- محبی، محسن. مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داورى بین‌المللی، سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و معاونت پژوهشی. نرم‌افزار لوح حق. ۱۳۸۸.
- منصوری نراقی، محمود. نفت. ج ۱ (مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه). بی‌جا: چاپخانه صبح امروز، ۱۳۵۰.
- موحد، محمد علی. نفت ما و مسائل حقوقی آن. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹.
- _____ نفت ما و مسائل حقوقی آن. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.
- موسوی، میر طیب. مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت. بی‌جا: مردم سالاری، ۱۳۸۴.
- وزارت اطلاعات. نفت ایران از دوران امتیازات تا حاکمیت، مالکیت، مدیریت و کنترل مطلق. تهران: وزارت

اطلاعات، ۱۳۵۲.

_____ رجال عصر پهلوی؛ دکتر منوچهر اقبال به روایت اسناد ساواک. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت

اطلاعات، ۱۳۷۹.

یعقوبی نژاد، علی. رئیس نفت. بی جا: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۳.

Coase, R. H. "The Problem of Social Costs." *Journal of Law and Economics*. University of Chicago Press. Vol. 3. October 1960. pp. 1- 44.

Colombatto, Enrico. *The Elgar Companion to The Economics of property Rights*. London: Edward Elgar publishing, 2004.

Demsetz, Harold. "Toward a Theory of Property Right.," *American Economic Review*. Vol. 57, No. 2. May 1967. pp. 347-359.

Tordo, Silvana. *Fiscal Systems for Hydrocarbons. Design Issues*. New York: World Bank working paper. 2007.